

نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی

دکتر محسن محبی

مقدمه

نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی^۱ مهم‌ترین نظام داوری تجاری بین‌المللی در دوران معاصر است و همواره در عرصه داوری بین‌المللی پیشتاز و اثرگذار بوده و نقش مهمی در ترویج و توسعه اسلوب داوری در حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی داشته است. هم قواعد داوری اتاق و هم آراء داوری که در چارچوب داوری‌های اتاق صادر می‌شود، از مهم‌ترین منابع حقوقی در زمینه داوری بین‌المللی است و از عوامل شکل‌دهنده و سازنده رویه داوری بین‌المللی به شمار می‌رود.

ممتاز و پیشرو بودن نظام داوری اتاق و رواج و مقبولیت وسیع آن نزد تجار و بازرگانان و شرکتها و مؤسسات تجاری بین‌المللی مرهون عوامل گوناگونی است که از جمله آنها می‌توان به چند عامل مهم‌تر که به جایگاه ساختاری آن برمی‌گردد اشاره کرد. اول، ریشه داشتن نظام داوری اتاق در بطن بزرگترین تشکل بخش خصوصی اقتصادی در سطح جهانی یعنی اتاق بازرگانی بین‌المللی و سابقه طولانی آن که سالهاست در عمل مورد استفاده

1. International Chamber of Commerce (ICC).

است و تجربه می‌شود. دوم، داشتن مجموعه قواعد داوری منسجم و در عین حال منعطف که بیشترین آزادی عمل را برای اصحاب دعوا پیش‌بینی کرده است. این قواعد متناسب با تحولات حقوق داوری بین‌المللی و نیز نیازهای جدید در حوزه تجارت بین‌الملل طراحی شده و هر از چند سال مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفته و آخرین بار نیز در سالهای اخیر مورد بررسی و تجدید نظر واقع شده و قواعد جدید داوری اتاق از اول ژانویه ۱۹۹۸ (۱۱ دی ۱۳۷۶) لازم‌الاجرا شده و هم‌اکنون مورد استفاده است.^۲ سوم، استقلال و خودگردان بودن نظام داوری اتاق و برخورداری از یک سازمان داوری مناسب و مجهز و توانا مرکب از دیوان داوری و دبیرخانه آن، که اداره و نظارت مستمر و مؤثر بر جریان داوری‌هایی که به قواعد داوری اتاق ارجاع می‌شود، و نیز رفع و رجوع مشکلات و بن‌بست‌هایی که گاهی در طول داوری حادث می‌شود، برعهده آن است. ضمناً وجود همین سازمان داوری فرصتی ایجاد کرده که آراء داوری و تجاربی که در داوری‌های اتاق در سراسر جهان و بین طرفین و توسط داورانی با فرهنگ‌های مختلف و نظام‌های حقوقی گوناگون تولید می‌شود، به خوبی جمع‌آوری و متراکم شود و از این گنجینه تجارب برای سیاستگذاری‌های اتاق و بهینه‌سازی نظام داوری آن استفاده شود.

البته علاوه بر این ویژگی‌های سازمانی، رژیم داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ویژگی‌های حقوقی و کارکردی خاصی هم دارد که بعداً در جای خود راجع به آنها بحث می‌کنیم (رک. مباحث بند هفتم قسمت دوم). در این مقاله ابتدا خود اتاق بازرگانی بین‌المللی را مختصراً معرفی می‌کنیم تا زمینه بحث درباره نظام داوری اتاق فراهم شود (قسمت ۱).

۲. همزمان با تحریر این مقاله، قواعد جدید داوری اتاق هم به فارسی ترجمه شده که در قسمت اسناد بین‌المللی همین شماره مجله حقوقی آورده‌ام.

معرفی نظام داوری اتاق، امتیازات داوری به‌طور کلی و سپس ویژگی‌های کارکردی و حقوقی نظام داوری اتاق موضوع مباحث قسمت بعدی است (قسمت ۲). آنگاه جریان داوری و ترتیبات و تشریفات آن تحت قواعد داوری اتاق را با تفصیل بیشتر مطالعه می‌کنیم و مراحل مختلف جریان داوری و نحوه نظارت سازمان داوری اتاق بر آن را توضیح می‌دهیم و در مطایب بحث، قواعد جدید داوری اتاق را که در واقع آیین دادرسی در داوری است نیز بررسی می‌کنیم (قسمت ۳).

۱

اتاق بازرگانی بین‌المللی

اتاق بازرگانی بین‌المللی توسط عده‌ای از بازرگانان و تجار بخش خصوصی بعد از جنگ جهانی اول به سال ۱۹۱۹ تأسیس شده است. این اتاق بزرگترین و مهم‌ترین شکل سازمان‌یافته بخش خصوصی اقتصادی است که به صورت یک سازمان بین‌المللی غیردولتی (NGO)^۳ تشکیل گردیده است و در صحنه بازرگانی بین‌المللی حضور و نقش مؤثرتری داشته است، به نحوی که امروزه طرف مشورت و همکاری و هماهنگی با سازمان‌های بین‌المللی تخصصی مانند سازمان تجارت جهانی (WTO)^۴، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا (OECD)^۵، شورای تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (UNCTAD)^۶ می‌باشد.

هدف اصلی و محوری اتاق بازرگانی بین‌المللی عبارت است از

3. Non-Government Organization.

4. World Trade Organization.

5. Organization for Economic Cooperation and Development.

6. United Nations Council for Trade and Development.

هماهنگی و تسهیل مراودات بازرگانی و فعالیت‌های تجاری و اقتصادی در سطح جهانی، رفع موانع و مشکلات آن، تقویت سیستم اقتصاد بازار بر مبنای رقابت آزاد، تسریع و روان‌سازی مبادلات تجاری با تأکید بر نقش بخش خصوصی، هماهنگی و یکسان‌سازی عرف‌ها و رویه‌های تجاری در زمینه‌های مختلف و بالاخره حفظ منافع دست‌اندرکاران تجارت و بازرگانی بین‌المللی در کشورهای جهان. یکی از اقدامات و برنامه‌های مهم اتاق برای تحقق این اهداف تأسیس نظام داوری بوده است.

الف - ساختار اتاق بازرگانی بین‌المللی

اتاق بازرگانی بین‌المللی به موجب اساسنامه‌ای اداره می‌شود که در سال تأسیس آن (۱۹۱۹) به تصویب «شورای جهانی»^۷ اتاق رسیده است. مقر و محل اصلی اتاق بازرگانی بین‌المللی در پاریس است، اما هیچ‌گونه ارتباطی با کشور فرانسه ندارد و چنان‌که اشاره شد، یک سازمان بین‌المللی خصوصی و غیردولتی مستقل (NGO) محسوب می‌شود.

بالاترین مقام اجرایی اتاق، رئیس آن است که از بین شخصیت‌های تجاری موجه و معتبر در بخش خصوصی و توسط «شورای جهانی» اتاق انتخاب و منصوب می‌شود و در حال حاضر یک بازرگان لبنانی (آقای عدنان قصار) مقیم پاریس است. «شورای جهانی» عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اتاق است و در واقع مجمع عمومی اتاق به‌شمار می‌رود. «شورای جهانی» متشکل از هیأت نمایندگان بخش خصوصی در کشورهای مختلف است که از طریق «کمیته ملی» اتاق در هر کشور معرفی می‌شود. رکن دیگر اتاق، «هیأت اجرایی» (هیأت

7. World Council.

رئیسه)^۸ است که می‌تواند تا ۳۰ عضو داشته باشد و در حال حاضر ۲۵ عضو دارد. اعضای هیأت اجرایی با پیشنهاد رئیس اتاق و تصویب «شورای جهانی» آن به مدت ۳ سال منصوب می‌شوند و وظیفه آن اجرای مصوبات و تصمیمات این شورا است. «دبیرخانه بین‌المللی»^۹ رکن دیگر از سازمان اتاق است که کار آن ایجاد هماهنگی بین بخش‌های مختلف اتاق و نیز انجام ارتباطات اتاق با اعضا و سایرین است.

ساختار میانی اتاق بازرگانی مشتمل است بر کمیسیون‌های تخصصی، گروه‌های کاری تخصصی و واحدهای سازمانی مستقل. کمیسیون‌های مختلف مهم‌ترین واحد سازمانی اتاق است که هر کدام عهده‌دار بررسی و مطالعه در یکی از عرصه‌های تجارت بین‌المللی می‌باشند و زیر نظر دبیرخانه فعالیت می‌کنند. اعضای کمیسیون‌های اتاق بازرگانی از بین متخصصین رشته مربوط انتخاب می‌شوند و زیر نظر دبیر کمیسیون انجام وظیفه می‌کنند. علاوه بر این، گروه‌های کاری تخصصی نیز برحسب نیاز تشکیل می‌شود که کار آنها انجام پروژه‌های تحقیقاتی است. واحدهای سازمانی مستقل که در داخل چارچوب اتاق ایجاد شده‌اند وظایف و اختیارات وسیع‌تری دارند و هر یک در یکی از حوزه‌های مربوط به تجارت بین‌الملل فعال می‌باشند. واحدهای سازمانی به صورت مستقل و دائمی تشکیل شده‌اند، درحالی‌که گروه‌های کاری پس از انجام کار یا پروژه‌ی مربوط، منحل می‌شوند. کمیسیون‌ها و گروه‌های خاص و واحدهای سازمانی مستقل اتاق که در حال حاضر در اتاق تشکیل شده و فعال می‌باشند، عبارتند از:

8. Executive Board.

9. International Secretariat.

<p>مهم ترین گروه های خاص:</p> <ul style="list-style-type: none"> - تجارت در جامعه - گروه مشورتی اقتصاد اتاق - پروژه تجارت الکترونیک - کمیته مبارزه با اخاذی و رشوه در بازرگانی واحدها و مؤسسات سازمانی اتاق: - مؤسسه حقوق تجارت بین الملل - دفتر بین المللی اتاقهای بازرگانی بین المللی - دفتر مبارزه با جرائم و تقلبات تجاری - مؤسسه انتشارات - دفتر ارتباط با سازمان ملل و سایر سازمانهای بین المللی - دیوان بین المللی داوران - مرکز کارشناسی 	<p>کمیسیون ها:</p> <ul style="list-style-type: none"> - بانکداری - محیط زیست - نیرو - خدمات مالی و بیمه - مالکیت صنعتی و معنوی - داوری بین المللی - رویه های تجاری بین المللی - تجارت بین المللی و سرمایه گذاری - حقوق و رویه های مربوط به رقابت بازاریابی، تبلیغات و توزیع کالا و خدمات - مالیات - ارتباطات بین المللی - حمل و نقل (زمینی، دریایی، هوایی)
--	---

همان طور که ملاحظه می شود، دیوان بین المللی داوران اتاق یکی از واحدهای سازمانی اتاق است، اما چنان که خواهیم دید، اتاق در کار خود کاملاً مستقل است و اعضای آن مستقیماً توسط کمیته ملی هر کشور معرفی می شوند و با تأیید «شورای جهانی» اتاق منصوب می شوند. این دیوان دارای یک دبیرخانه است که خدمات لازم را به دیوان داوران اتاق و نیز به اصحاب دعوا و داوران در هر پرونده ارائه می کند. دیوان داوران و

دبیرخانه دور کنی هستند که روی هم رفته «سازمان داوری اتاق» را تشکیل می‌دهند و بعداً در قسمت ۲ درباره آن توضیح می‌دهیم.

ب- کمیته‌های ملی اتاق

همان‌طور که گفتیم، اتاق بازرگانی بین‌المللی محل تجمع و تشکل بازرگانان و شرکتها و مؤسسات تجاری بخش خصوصی از سراسر جهان است و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که در عرصه تجارت و بازرگانی به معنای وسیع آن، منجمله صنعت، فعالیت دارند می‌توانند به عضویت اتاق در پاریس درآیند. ارتباط اتاق با بخش خصوصی هر کشور از طریق «کمیته ملی» اتاق در آن کشور است و عضویت تجار و بازرگانان هر کشور در اتاق نیز از طریق همین کمیته ملی صورت می‌گیرد. کمیته ملی اتاق را در هر کشور بازرگانان بخش خصوصی و فعالان در حوزه تجارت و بازرگانی تشکیل می‌دهند، که اغلب اعضای اتاق بازرگانی داخلی آن کشور نیز هستند. به هر حال، همین که اعضای کمیته ملی اتاق در کشور به حد نصاب (دست کم ۱۵ عضو) برسد و تأسیس شود می‌تواند در اتاق پاریس عضو شود و اعضای آن یکجا به عضویت اتاق بازرگانی بین‌المللی درمی‌آیند. کمیته ملی هر کشور رابط بخش بازرگانی و تجارت آن کشور با اتاق بازرگانی و بالعکس است و از خدمات اتاق برخوردار می‌شود. در صورتی که در کشوری کمیته ملی وجود نداشته باشد، بازرگانان و تجار علاقمند می‌توانند مستقیماً به عضویت اتاق درآیند که البته مشروط به تصویب درخواست آنها در «شورای جهانی» اتاق می‌باشد.

در ایران، کمیته ملی اتاق بازرگانی بین‌المللی اول‌بار به سال ۱۳۵۴ از طریق اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تشکیل شده و فعال بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با این که نقش بخش خصوصی در اقتصاد

کشور محدود و کم‌رنگ شد، اما کمیته ملی ایران منحل نشد ولی طبعاً در سطح محدودتری وجود داشته است و پس از یک دوره فترت مجدداً از سال ۱۳۶۴ دور جدید فعالیت خود را آغاز کرده است و در حال حاضر قریب ۱۳۰ عضو دارد که همگی از طریق کمیته ملی ایران به عضویت اتاق بازرگانی بین‌المللی در پاریس درآمده‌اند. کمیته ملی اتاق در ایران به موجب اساسنامه اداره می‌شود که ارکان آن را مشخص کرده است (رئیس، شورای کمیته، هیأت رئیسه، دبیرکل). کار اصلی کمیته ملی عبارت است از ایجاد ارتباط بین اعضا و اتاق پاریس، مبادله اطلاعات و انتقال دستاوردها و نتایج حاصله از فعالیت‌های اتاق پاریس در زمینه‌های گوناگون تجاری به سطح داخلی، ارائه خدمات کارشناسی در زمینه تجارت بین‌المللی به اعضا، آموزش و ارتقاء دانش و اطلاعات تجاری اعضا از طریق برگزاری سمینارهای آموزشی و تخصصی و انتشارات، و بالاخره تسهیل و تسریع مراودات تجاری بین‌المللی و فراهم کردن زمینه همکاری مشترک در سطح تجارت بین‌المللی. کمیته ملی ایران پس از تجدید فعالیت در سال ۱۳۶۴ مبادرت به تشکیل چهار کمیسیون تخصصی کرده که قرینه بعضی کمیسیون‌هایی است که در اتاق پاریس وجود دارد. کمیسیون‌های تخصصی کمیته ملی ایران عبارتند از: کمیسیون بانکداری، کمیسیون حمل و نقل، کمیسیون حقوقی و داوری، کمیسیون بیمه. هر کمیسیون یک نفر دبیر دارد و اعضای کمیسیون‌ها از کارشناسان ارشد رشته مربوط می‌باشند. کمیسیون‌ها زیر نظر دبیرخانه کمیته فعالیت می‌کنند.

تا جایی که به نظام داوری اتاق مربوط می‌شود، کمیته‌های ملی دو وظیفه سازمانی دارند: یکی معرفی عضو برای دیوان داوری اتاق و دوم معرفی و پیشنهاد داور در مواردی که دیوان استعمال می‌کند (ماده ۹(۳) و (۶) قواعد داوری اتاق).

ج- دو فعالیت ویژه اتاق

باتوجه به وسعت و اهمیت وظایف اتاق و حوزه فعالیت‌های آن در سطح بین‌المللی، اتاق بازرگانی بین‌المللی شیوه‌های مختلفی را برای انجام وظایف و تحقق اهداف خود به کار می‌گیرد، و تشکیلات مناسبی را نیز در داخل سازمان اتاق ایجاد کرده است که قبلاً آنها را معرفی کردیم. اما در بین شیوه‌ها و راهکارهایی که اتاق برای انجام برنامه‌ها و تحقق اهداف خود به کار می‌گیرد، دو راهکار اساسی وجود دارد که بیش از همه مورد استفاده است و ابتکار آن مخصوص اتاق است و فعالیت‌های راهبردی اتاق را صورت‌بندی و مشخص می‌کند: یکی تهیه و جمع‌آوری رویه‌ها و عرف‌های تجاری در زمینه انواع فعالیت‌های تجاری و تنظیم و تدوین آنها به صورت «مقررات متحدالشکل»، که اثر مهم و وسیعی در یکسان‌سازی و قاعده‌مند کردن و نهایتاً تسهیل مراودات تجاری دارد.^{۱۰} دوم، تشکیل چند سازمان تخصصی دائمی و مستقل در چارچوب تشکیلات اتاق مانند مؤسسه حقوق و رویه تجاری، یا مرکز کارشناسی بین‌المللی که کار آنها ارائه خدمات تخصصی در زمینه بازرگانی بین‌المللی است، که در بین این سازمانها «دیوان

۱۰. در بین انواع مقررات متحدالشکل تجاری که اتاق بازرگانی تدوین کرده، رایج‌تر و مهم‌تر از همه «مقررات و رویه‌های متحدالشکل اعتبارات اسنادی بانکی» است که تقریباً کلیه بانکهای سراسر جهان (منجمله بانکهای ایران) سالهاست عملیات اعتبار اسنادی خود را در قالب همین مقررات انجام می‌دهند. این مقررات اصطلاحاً UCPD 500 نامیده می‌شود (Uniform Practices and Customs of Documentary Credits, ICC Pub. NO. 500) و کمیته ایرانی اتاق آن را به فارسی ترجمه و منتشر کرده است. نیز می‌توان به مقررات متحدالشکل مربوط به «تحویل کالا» در قراردادهای خرید و فروش بین‌المللی اشاره کرد که «اینکو‌ترمز» (International Commercial Terms) نام دارد و حالت‌های مختلف «تحویل کالا» (delivery) را که در تجارت بین‌المللی متداول است تعریف کرده و تکالیف و تعهدات هر یک از خریدار و فروشنده را در هر حالت مشخص نموده است. آخرین اصلاحیه این مقررات موسوم به «اینکو‌ترمز ۲۰۰۰» است که توسط کمیته ایرانی اتاق به فارسی نیز ترجمه و منتشر شده است. مقررات متحدالشکل مربوط به ضمانتنامه‌های بانکی غیرمشروط (عندالمطالبه) موسوم به Uniform Rules for Demand Guarantees نیز از جمله مقررات دیگری است که اتاق بازرگانی بین‌المللی بر اساس رویه‌ها و عرف‌های بانکی و تجاری جمع‌آوری و تدوین کرده است. از نظر حقوقی، الزام آور بودن این مقررات ناشی از آن است که به صورت «شرط ضمن قرارداد» مورد توافق طرفین قرار می‌گیرد.

بین‌المللی داوری اتاق» مهم‌تر و قدیمی‌تر است و در عمل موفقیت‌های زیادی کسب نموده است و همان‌طور که پیش از این اشاره کردیم، نظام داوری اتاق یک نظام پیشرو، شاخص و اثرگذار در عرصه داوری بین‌المللی به‌شمار می‌رود.

معرفی بیشتر این سازمان داوری و بحث و بررسی در اطراف قواعد داوری آن موضوع اصلی این نوشته است.

۲

نظام داوری اتاق

الف- زمینه‌های تأسیس سازمان داوری اتاق

نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی در سال ۱۹۲۳ تأسیس شده است یعنی چهار سال پس از تشکیل خود اتاق به سال ۱۹۱۹. تهیه قواعد داوری و تشکیل دیوان داوری اتاق در چنین فاصله کوتاهی نشان‌دهنده این واقعیت است که مسؤولان و سیاستگذاران اتاق از همان ابتدای کار متوجه شدند که گرچه وقوع اختلافات و دعاوی بین تجّار و بازرگانان، امری طبیعی است اما اگر به‌درستی و با شیوه‌های مناسب حل و فصل نشود، یکی از موانع اساسی مراودات تجاری است و موجب اتلاف وقت و هزینه می‌شود. از طرفی، در جستجوی شیوه‌های مناسب حل و فصل دعاوی تجاری به این حقیقت پی بردند که دعاوی و اختلافات تجاری که در سطح بین‌المللی رخ می‌دهد ویژگی‌هایی دارند که دشواریهای خاصی در راه حل و فصل آنها به شیوه‌های سنتی مانند مراجعه به دادگاههای دولتی یا حتی داوری‌های پراکنده ایجاد می‌کند. در واقع طبیعت حقوقی پیچیده و چندلایه بودن دعاوی بین‌المللی که ناشی از قراردادهای بین‌المللی با موضوعات

مختلف است (از قرارداد خرید و فروش ساده گرفته تا قراردادهای سرمایه‌گذاری) اقتضا می‌کند که رسیدگی و حل و فصل آنها توسط اشخاصی انجام شود که هم مورد اعتماد طرفین باشند و هم از تسلط و تخصص لازم در رشته مربوط برخوردار باشند. چنانکه خواهیم دید، مناسب‌ترین شیوه حل اختلاف که این اقتضائات را برمی‌آورد، همانا شیوه داوری است.

گفتیم ویژگی‌های دعاوی بین‌المللی در انتخاب شیوه حل و فصل آنها مؤثر است. بعضی این ویژگی‌ها را ذیلاً مرور می‌کنیم:

۱) ارتباط حقوقی قرارداد و اختلاف حاصل از آن با نظماً حقوقی و قوانین کشورهای مختلف (از محل انعقاد قرارداد گرفته تا محل اجرا و محل پرداخت) که مداخله هریک از این قوانین می‌تواند مسائل حقوقی پیچیده‌ای را پیش‌آورد و رسیدگی دادگاه را طولانی‌تر سازد؛

۲) تنوع فرهنگی اصحاب دعوا و حتی قاضی رسیدگی‌کننده به دعوا که هر کدام تاریخ و فرهنگ متفاوتی دارند بویژه از حیث برداشتی که از مفهوم حل و فصل عادلانه دارند و نیز انتظاراتی که به دنبال چنین برداشتی در ذهن ایشان ایجاد می‌شود؛

۳) عدم تمایل طرفین در مراجعه به مراجع قضایی کشور طرف مقابل یا حتی کشور ثالث به علت ناآشنایی و گاه بی‌اعتمادی به نظام حقوقی و قضایی آن کشور؛

۴) بیم از بی‌مهری احتمالی مراجع رسیدگی دولتی در کشور بیگانه به علت احتمال نفوذ و تأثیر عوامل کشوری یا ملی یا اجتماعی در سرنوشت دعوا بویژه در مواردی که طرف یک دستگاه دولتی در کشور محل دادگاه باشد، که باعث می‌شود طرفین از مراجعه به دادگاههای داخلی اکراه داشته باشند؛

۵) پرهزینه بودن رسیدگی قضایی و الزام به داشتن وکیل در بعض کشورها و نیز طولانی و چند مرحله‌ای بودن جریان رسیدگی دادگاه تا صدور حکم نهایی و لازم‌الاجرا؛

۶) احتمال افشای اسرار تجاری و اسناد و مدارک طرفین که در جریان رسیدگی علنی در دادگاه خواه ناخواه مطرح می‌شود؛

۷) ناکارآمدی سیستم قضایی داخلی برای رسیدگی صحیح و مطمئن به دعاوی بین‌المللی و عدم تخصص قضات داخلی، به این علت که آیین دادرسی داخلی علی‌الاصول برای حل و فصل دعاوی داخلی هر کشور طراحی می‌شود و قضات هم اساساً برای رفع منازعات و دعاوی داخلی تربیت می‌شوند.

هریک از موارد فوق یکی از ویژگی‌های دعاوی بین‌المللی را رقم می‌زند که به نوبه خود بستر مناسبی است که اگر دعاوی بین‌المللی در محاکم داخلی مطرح شود یا حتی اگر به داوری‌های موردی و خارج از نظارت ارجاع شود، می‌تواند دشواریهای مهمی را در راه حل و فصل این قبیل دعاوی ایجاد کند. همین ملاحظات بود که مسؤولان اتاق را قانع کرد که شیوه‌های سنتی حل و فصل دعاوی پاسخگوی دعاوی تجاری بین‌المللی نیست و با ضرورت‌های تجارت آن هم در سطح بین‌المللی، از قبیل سرعت و دقت و بویژه اعتماد متقابل، تناسبی ندارد و باید از مکانیسم‌ها و شیوه‌های دیگری برای رفع اختلافات تجاری بین‌المللی استفاده شود.

ب- «داوری»: قاضی طبیعی برای دعاوی بین‌المللی

به‌طور کلی، شیوه‌های حل و فصل اختلافات (بویژه در سطح بین‌المللی) را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد: یکی رسیدگی قضایی در محاکم که بنا به ماهیت خود علی‌الاصول شیوه «ترافعی» است، دوم

شیوه‌های دوستانه که مبتنی بر «تراضی» طرفین دعوا است. گروه دوم، خود مشتمل است بر داوری،^{۱۱} سازش،^{۱۲} مراجعه به کارشناس،^{۱۳} میانجیگری^{۱۴} و واقعیت‌یابی^{۱۵} که وجه مشترک همه آنها، همان‌طور که اشاره شد، توافق و تراضی قبلی طرفین است که در واقع اساس صلاحیت و مشروعیت مرجع رسیدگی مربوط را نیز تشکیل می‌دهد. همین ویژگی، یکی از مهم‌ترین وجوه افتراق شیوه‌های رسیدگی دوستانه را با رسیدگی قضایی رقم می‌زند، زیرا برای استفاده از شیوه رسیدگی قضایی در دادگاه نیازی به توافق قبلی طرفین نیست و هریک از طرفین دعوا می‌تواند به دادگاه مراجعه و درخواست رسیدگی نماید. اصولاً دادگاه دارای صلاحیت عام است و مشروعیت و اقتدار آن برای رسیدگی به دعاوی ناشی از قانون است و توافق اصحاب دعوا نقشی در آن ندارد.

به هر حال، جوهر اصلی شیوه‌های دوستانه حل و فصل دعاوی عبارت است از تراضی و توافق اصحاب دعوا که برای حل اختلاف به شخص ثالث رجوع کنند. همین تراضی است که باعث می‌شود اولاً فضای سنگین نزاع و بگومگو در دادگاه، به جو دوستانه تبدیل شود و از انعطاف زیادی برخوردار باشد و ثانیاً اصحاب دعوا آزادی عمل فراوانی در نحوه حل و فصل دعاوی خود داشته باشند.^{۱۶} شیوه‌های دوستانه حل اختلاف — بویژه

11. Arbitration.

12. Conciliation.

13. Expertise.

14. Mediation.

15. Fact-Finding.

۱۶. بین داوری با کارشناسی و سازش و میانجیگری چه از حیث نحوه انجام آنها و چه از حیث آثار هریک، تفاوت‌هایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت است از این که نتیجه رسیدگی در داوری که به صورت رأی صادر می‌شود، نسبت به طرفین لازم‌الاجرا است و کلیه آثار مترتب بر «رأی» را دارد و بنابراین واجد «اثر امر مختومه» نیز هست. در حالی که نتیجه رسیدگی‌های شخص ثالث در شیوه سازش، میانجیگری یا کارشناسی فی‌نفسه الزام‌آور نیست بلکه برحسب مورد حاوی پیشنهادهای یا داده‌هایی برای

داوری - هم در دعاوی داخلی قابل استفاده است و هم در دعاوی بین‌المللی؛ با این تفاوت که در دعاوی داخلی مراجعه به دادگاه یا به داوری جایگزین یکدیگر می‌باشند، در حالی که در دعاوی بین‌المللی چون دادگاه بین‌المللی وجود ندارد، مراجعه به داوری عملاً شیوه منحصر به فرد حل اختلاف به‌شمار می‌رود.

به هر حال، اتاق بازرگانی بین‌المللی که کوتاه زمانی پس از تشکیل و در چارچوب اهداف راهبردی خود یعنی تسهیل مراودات و مبادلات تجاری بین‌المللی و رفع موانع آن، در جستجوی نظام حقوقی آنسب و اصلح برای حل و فصل اختلافات و دعاوی تجاری برآمده بود، با توجه به همین ملاحظات بود که به این نتیجه رسید که «قاضی طبیعی» برای رفع منازعات و دعاوی تجاری بین‌المللی همانا اسلوب داوری است. در هر صورت، اتاق در سال ۱۹۲۳ مبادرت به تأسیس «دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی» نمود و قواعد داوری آن را نیز تهیه و تدوین کرد و بدینسان نظام داوری اتاق در همان سال پا گرفت.^{۱۷}

امتیازات داوری را به تفصیل در بخش بعدی مورد مطالعه قرار می‌دهیم، در اینجا لازم است اشاره کنیم که جاذبه اصلی داوری در عنصر توافق و تراضی اصحاب دعوا نهفته که عرصه وسیعی را برای آزادی انتخاب و عمل طرفین ایجاد می‌کند که از انتخاب داور یا داوران گرفته تا

حل و فصل اختلاف است که طرفین می‌توانند آن را بپذیرند و اجرا کنند یا کنار گذارند؛ و به هر حال مسلماً آثار حقوقی رأی را ندارد. بدیهی است اگر طرفین بپذیرند آن را رعایت کنند، طبعاً متعهد به اجرای آن می‌باشند.

۱۷. اتاق بازرگانی بین‌المللی، علاوه بر شیوه داوری، روش سازش (Conciliation) را نیز برای حل و فصل دعاوی تجاری مناسب تشخیص داده و آن را تشویق و ترویج می‌کند و حتی قواعدی برای استفاده از شیوه سازش نیز تدوین کرده و آن را طوری سازماندهی کرده است که تحت نظارت اتاق انجام شود. «قواعد سازش» که اتاق تهیه و تدوین نموده و در حال حاضر مورد استفاده است، آخرین بار به سال ۱۹۸۸ مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته است. ترجمه فارسی این قواعد سازش را نیز در بخش اسناد بین‌المللی، همین شماره ملاحظه می‌کنید.

نحوه رسیدگی و تعیین آیین داوری و قانون ماهوی حاکم بر دعوا و حتی نحوه اجرای رأی داوری گسترده است.^{۱۸} پس، قبل از توضیح ویژگی‌های نظام داوری اتاق، بینیم علاوه بر عنصر تراضی و توافق که جوهر داوری است، امتیازات دیگر آن کدام است که آن را به «قاضی طبیعی» برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی تبدیل کرده است.

ج - امتیازات داوری

از مجموع مطالبی که گفتیم به خوبی می‌توان دریافت که چون اسلوب داوری مبتنی بر توافق و تراضی است، جو اعتماد و دوستانه‌ای بین طرفین ایجاد می‌کند و از گسترش نزاع و التهاب که معمولاً در حالت بروز اختلاف به وجود می‌آید، جلوگیری می‌کند. علاوه بر این، چون در داوری طرفین می‌توانند افراد مورد نظر و اعتماد خود را با توجه به تخصص آنها به عنوان داور انتخاب نمایند لذا آسودگی خیال بیشتری خواهند داشت که دعوی‌شان توسط افراد مورد اعتماد و متخصص، با سرعت کافی در رسیدگی، با بیطرفی بیشتر، با رعایت محرمانه بودن اختلافات و حفظ اسرار تجاری ایشان و بالاخره با هزینه کمتری حل و فصل می‌شود. همین‌ها، امتیازات اسلوب داوری به‌شمار می‌رود.

(۱) رعایت تخصص

منشأ اختلافات بین‌المللی، قراردادهای بین‌المللی است. از قراردادهای

۱۸. داوری اساساً مبتنی بر تراضی است (consensual) اما در پاره‌ای موارد «داوری قانونی» نیز وجود دارد (Statutory) که قانونگذار بعضی جنبه‌های داوری را از قبل معلوم کرده است - مانند آنچه در قانون داوری لندن (۱۹۹۷) پیش‌بینی شده است - معذک حتی در همین موارد نیز شروع و انعقاد داوری مبتنی بر توافق اولیه طرفین است و با داوری اجباری (Compulsory) فرق می‌کند. داوری اجباری در حقوق داخلی قابل تأسیس است که قانونگذار مقرر کرده باشد بعضی دعاوی خاص باید از طریق داوری حل و فصل شود.

نسبتاً ساده‌تر خرید و فروش بین‌المللی که بگذریم، قراردادهای انتقال تکنولوژی، اجرای طرحهای عمرانی صنعتی و تولیدی بزرگ، قراردادهای ساختمانی (اعم از ابنیه، سدسازی، پل‌سازی و امثال آنها)، قراردادهای تأمین مالی و بانکی، و بالاخره قراردادهای سرمایه‌گذاری که در سطح بین‌المللی منعقد می‌شوند، هر یک متضمن موضوعات و مسائل حقوقی پیچیده و وسیعی هستند. طبیعی است که اختلافات و دعاوی ناشی از چنین قراردادهایی نیز به نوبه خود پیچیده و متنوع و گسترده می‌باشد که حل و فصل آنها از عهده افراد متخصص و آشنا با مسائل قراردادهای بین‌المللی و نوع فعالیت موضوع قرارداد برمی‌آید، و ارجاع آنها به دادگاههای داخلی مطلوب و مطمئن نیست، زیرا قضات محاکم داخلی علی‌الاصول برای رسیدگی به این نوع دعاوی تربیت نشده‌اند و بجز موارد استثنایی اساساً تخصصی در مسائل حقوقی بین‌المللی ندارند و انتظاری هم نمی‌رود که علی‌العموم از چنین تخصص‌هایی برخوردار باشند. به علاوه، دعاوی و اختلافات ناشی از این نوع قراردادها معمولاً متضمن مبالغ هنگفتی است و شرکتها و مؤسسات بزرگ بین‌المللی یا چند ملیتی در آنها درگیر می‌باشند و نتیجه رسیدگی تأثیر مستقیم و مهمی در سرنوشت آنها دارد و به همین لحاظ طرفین این قبیل دعاوی مایلند که دعوا توسط افراد مورد اعتماد و اهل فن که از موضوع قرارداد و اختلاف حاصله سردر می‌آورند، رسیدگی و تصمیم‌گیری شود. در رسیدگی قضایی توسط دادگاه، طرفین هیچگونه مداخله و نقشی در انتخاب قاضی و حتی آیین دادرسی ندارند. تنها اسلوبی که این امکان را فراهم می‌کند که دعوا به قاضی کارشناس و صاحب‌نظر در موضوع ارجاع شود، داوری است که اصحاب دعوا داور یا داوران مورد نظر خود را که علاوه بر آشنایی و اعتمادی که به او دارند، به عقیده ایشان با فعالیت‌های موضوع قرارداد نیز آشنا هستند و اطلاعات و تجربه کافی

دارند، انتخاب می‌نمایند و حتی حاضر می‌شوند که با طیب خاطر رأی او را نیز بپذیرند و اجرا کنند.

(۲) سرعت و کارایی

امتیاز دیگر داوری، سرعت در رسیدگی و کارایی بیشتر آن در مقایسه با رسیدگی قضایی دادگاه است. اصولاً در داوری، طرفین و داوران ملزم نیستند تشریفات آیین دادرسی را رعایت کنند، بلکه آزادند که متناسب با نوع و موضوع دعوی مطروحه آیین رسیدگی مناسب را تعیین کنند. داوری از تشریفات وقت‌گیر و پیچیده رسیدگی در محاکم و چند درجه‌ای بودن رسیدگی و مراحل مختلف بدوی، استیناف و فرجام معاف است. علاوه بر این، طرفین می‌توانند حتی قانون ماهوی حاکم بر دعوا را نیز خود انتخاب و تعیین نمایند یا به داوران اختیار دهند که قانون حاکم را تعیین کنند که چون داوران مأخوذ به قوانین داخلی نیستند حتی ضرورتی ندارد قواعد تعارض قوانین را در انتخاب قانون مناسب با همان جزئیات و الزاماتی که قاضی دادگاه دارد، رعایت کنند. و بالاخره، اصحاب دعوا می‌توانند به داوران خود اجازه دهند که صرفاً به صورت کدخدامنشی^{۱۹} یا براساس موازین عدالت و انصاف،^{۲۰} دعوا را حل و فصل نمایند، بدون این که لازم باشد در تصمیم خود به قواعد حقوقی یا قانون موضوعه رجوع و استناد نمایند. این امکان و این آزادی عمل در انتخاب آیین رسیدگی و قانون حاکم موجب می‌شود که جریان داوری با سرعت کافی و بدون تشریفات زائد و تأخیرهای ناشی از آن برگزار شود و زودتر به نتیجه برسد. به علاوه، چون آیین دادرسی و قانون حاکم متناسب با موضوع دعوا

19. Amiable compositeur.

20. Ex aequo et bono.

انتخاب و تعیین می‌شود طبعاً کارایی داوری بالا می‌رود و هدف نهایی که رفع اختلاف است مطمئن‌تر، بهتر و سریع‌تر حاصل می‌گردد. مثلاً گاه با توجه به نوع دعوا یا مبلغ مورد ادعا که قابل توجه نیست، طرفین توافق می‌کنند که پس از یک دور تبادل لایحه و بدون جلسه استماع شفاهی، مرجع داوری صرفاً براساس لوایح کتبی رأی خود را صادر کند. وجود این امکانات باعث شده که اسلوب داوری از سرعت و کارایی بیشتری برای حل اختلافات تجاری برخوردار باشد.

(۳) بیطرفی

به‌طور کلی قاضی باید مستقل و بیطرف باشد و شرط سلامت رسیدگی قضایی نیز همین است. اما در دعاوی شرکتهای خارجی که در محاکم داخلی مطرح می‌شود، بویژه در مواردی که طرف مقابل یک مؤسسه یا شرکت تجاری دولتی است و دعوا در دادگاههای کشور متبوع او طرح شده، این احتمال منتفی نیست که قاضی داخلی با محظوراتی مواجه شود یا ناخواسته در مسیری قرار گیرد که مطلوب او نیست یا شرایطی ایجاد شود که تشخیص قضایی او را با موانعی مواجه سازد. در چنین شرایطی مسلماً بیطرفی دادگاه در معرض تردید قرار می‌گیرد. اما در داوری‌ها، چون داوران هیچ‌گونه وابستگی دولتی ندارند و اغلب از کشوری بجز کشور متبوع طرفین انتخاب می‌شوند (بویژه رئیس هیأت داوری در داوری‌های سه نفره و نیز داور منفرد در داوری‌های یک نفره)، لذا احتمال این که تحت تأثیر چنین ملاحظات یا محظوراتی قرار گیرند، علی‌الاصول منتفی است و بهتر و مطمئن‌تر می‌توانند بیطرفی را رعایت نمایند.

علاوه بر این، داور یا داوران باید مستقل از طرفین باشند و بیطرفانه رسیدگی و رأی صادر کنند و مکلفند این استقلال را در طول رسیدگی

حفظ نمایند، و در صورتی که این وصف را از دست بدهند قابل جرح می‌باشند. بحث درباره استقلال و بیطرفی داور و اهمیت آن از موضوع بحث ما خارج است، اما همین قدر اشاره می‌کنیم که طرفین هنگام انتخاب داور معمولاً اشخاصی را معرفی می‌کنند که مورد شناسایی و اعتماد ایشان باشند، اما داور منتخب نباید با او رابطه خادم و مخدومی داشته باشد و نیز نباید مستقیم یا غیرمستقیم ذینفع در دعوا باشد. داور، وکیل یا نماینده طرفین نیست و باید مستقل از معرفی‌کننده باشد و در رسیدگی و رأی نیز باید بیطرف باشد. استقلال و بیطرفی^{۲۱} داور سلامت رسیدگی و درستی جریان داوری و رعایت عدالت را تضمین می‌کند و اهمیت آن بقدری است که همین که اوضاع و احوالی حادث شود که استقلال و بیطرفی داور را با تردید مواجه سازد (نه این که ثابت کند)، کافی است که بتوان او را جرح نمود. نفس جرح داور - ولو به نتیجه نرسد و ثابت نشود - به معنای اعلام بی‌اعتمادی به داور مجروح است که اغلب باعث می‌شود حتی قبل از تصمیم‌گیری راجع به جرح، خود او کناره‌گیری نماید. این ویژگی‌ها، بیطرفی در رسیدگی داوری را بهتر تأمین می‌کند.

(۴) محرمانه بودن

تجار و بازرگانان نسبت به افشای اسرار تجاری خود بسیار حساس‌اند و همه اقدامات و تدابیر لازم را به کار می‌گیرند که این اسرار محفوظ بماند. بروز اختلاف و بگومگو در معاملات تجاری، زمینه‌ای فراهم می‌کند که وضعیت تجاری و گرفتاری‌هایی که طرفین در معاملات موضوع اختلاف دارند، تخلفات و قصورهایی که احیاناً در قرارداد یا معامله مربوط مرتکب شده‌اند، بدهی‌هایی که دارند یا ادعا می‌شود که دارند و بالاخره مشخصات و

21. Independent and impartial. (مستقل و بیطرف)

جزئیات قرارداد و معامله مبنای اختلاف، علنی و افشا شود و بویژه اگر موضوع به دادگاه کشانده شود، امکان افشای این حقایق بیشتر می‌شود. به علاوه، هرچند بروز اختلاف در معاملات تجاری طبیعی است، اما پایان رابطه تجاری نیست. به همین لحاظ اگر بازرگانان نتوانند اختلافات خود را با مذاکره حل کنند و ناگزیر شوند به شیوه‌های حقوقی متوسل شوند، ترجیح می‌دهند طوری عمل شود که به کار و هدف اصلی ایشان که همانا ادامه روابط تجاری است، لطمه‌ای وارد نشود و بتوانند پس از ختم دعوا، مجدداً روابط خود را از سر گیرند. طبعاً اگر جریان حل و فصل دعوا محرمانه باشد، این هدف بهتر قابل حصول است. داوری این هدف را به خوبی تأمین می‌کند، زیرا جریان داوری به صورت محرمانه برگزار می‌شود و فقط اصحاب دعوا، وکلای ایشان و داور یا داوران منصوب ایشان در جریان رسیدگی مداخله و حضور دارند و از محتویات پرونده و موضوع دعوا باخبر می‌شوند و در پایان کار هم نسخه رأی داوری فقط در اختیار طرفین قرار می‌گیرد و هیچکس از آن مطلع نمی‌شود.

(۵) کم‌هزینه بودن

دعای تجاری بین‌المللی اغلب متضمن مبالغ هنگفت و زیادی است. مراجعه به دادگستری برای طرح دعوا مستلزم ابطال تمبر و سایر هزینه‌های قضایی است و اگر پرونده به مراحل بعدی (استیناف و تجدیدنظر و فرجام) بکشد، طبعاً هزینه‌های بیشتری باید پرداخت شود، که گاه با توجه به مبلغ دعوا ارقام قابل توجهی را تشکیل می‌دهد. در بعضی کشورها طرح دعوا الزاماً باید از طریق وکیل دادگستری صورت گیرد که به نوبه خود مستلزم پرداخت حق‌الوکاله است. اما در داوری‌ها، بجز حق‌الزحمه‌ای که معمولاً به داوران پرداخت می‌شود، هزینه دیگری لازم نیست. البته در داوری‌های

سازمانی، مانند داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی علاوه بر حق الزحمه داوران، هزینه‌های اداری هم وجود دارد. معذک در داوری‌ها مداخله و کیل الزامی نیست و طرفین می‌توانند دعوا را رأساً یا با معرفی نماینده مطرح کنند و پیش ببرند. هرچند گاه در مورد هزینه‌هایی که سازمانهای داوری (مانند اتاق بازرگانی) دریافت می‌کنند، انتقاداتی می‌شود اما حل و فصل دعاوی تجاری بین‌المللی از طریق داوری، بویژه در مواردی که متضمن مبالغ هنگفتی می‌باشند، روی هم رفته ارزان و کم‌هزینه‌تر است.

باری، امتیازاتی که برای اسلوب داوری به عنوان یک شیوه حقوقی برای حل و فصل اختلافات و دعاوی برشمردیم، نسبت به داوری به‌طور کلی، اعم از داوری داخلی یا بین‌المللی، صادق است و نظام داوری اتاق هم، به عنوان داور داوری بین‌المللی از همین امتیازات برخوردار است.

د - عناصر نظام داوری اتاق

نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی متشکل از دو عنصر اساسی است: یکی قواعد داوری اتاق، دوم سازمان داوری آن که نقش مهمی در رعایت این قواعد و نظارت بر حسن انجام داوری‌هایی که به قواعد اتاق ارجاع می‌شود ایفاء می‌کند. دو عنصر نظام داوری اتاق را بیشتر توضیح می‌دهیم.

(۱) قواعد داوری اتاق

قواعد داوری اتاق، مجموعه مقرراتی است که در واقع آیین دادرسی در داوری است و نحوه رسیدگی به دعوا را مشخص نموده است. قواعد داوری اتاق اول بار به سال ۱۹۲۳ و همزمان با تشکیل دیوان داوری آن تهیه شده و به تصویب شورای جهانی اتاق رسیده است. اما بعداً در پرتو

تجاریبی که در عمل به دست آمد چندبار مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گرفته و پس از اصلاحاتی که در سال ۱۹۹۸ صورت گرفته، اکنون قواعد جامع و نسبتاً کاملی شده است. قواعد جدید داوری اتاق، ابتدا در هیأت رئیسه اتاق تصویب شده و سپس در جلسه شورای جهانی اتاق (اجلاس کنگره شانگهای، آوریل ۱۹۹۷) تصویب گردیده و بالاخره از اول سال ۱۹۹۸ لازم‌الاجرا شده است.

قواعد داوری اتاق، جریان داوری را از زمان شروع تا پایان رسیدگی و صدور رأی می‌پوشاند. مهم‌ترین مشخصه قواعد داوری اتاق آن است که بیشترین آزادی عمل و انتخاب را برای طرفین و داوران منتخب ایشان در طول جریان داوری قائل شده و از انعطاف زیادی برخوردار است. این قواعد، وظایف و اختیارات خاصی برای سازمان داوری اتاق بویژه دیوان داوری اتاق مقرر نموده، با این هدف که بتواند نظارت مستمر و مؤثری بر جریان داوری اعمال نماید و از بروز تأخیر در رسیدگی جلوگیری نماید و مشکلات و بن‌بست‌هایی را که احیاناً در جریان داوری حادث می‌شود، حل کند و مرتفع نماید.

چنانکه گفتیم، قواعد داوری اتاق اول بار همزمان با تأسیس نظام داوری آن تهیه و تدوین شده و تا بحال چند مرتبه اصلاح و تجدید نظر شده که آخرین نوبت در سال ۱۹۹۸ بوده است. مهم‌ترین هدف اصلاحات اخیر در قواعد داوری اتاق، یکی تأمین سرعت جریان داوری و حذف عوامل تأخیر و دوم، شفاف‌تر کردن سیستم داوری اتاق و رفع ابهامات قواعد قبلی و روان‌تر کردن جریان داوری، و سوم رفع کمبودهای قواعد قبلی بوده است، مانند تصریح به داوری‌های چندطرفه^{۲۲} که تحت قواعد فعلی قابل انجام است (ماده ۱۰ قواعد)، یا امکان اصلاح و تفسیر رأی داوری ظرف

22. Multy – party arbitration.

۳۰ روز پس از صدور (ماده ۲۹ قواعد)، یا شرط عدم مسؤولیت داوران و اعضای سازمان داوری اتاق (ماده ۳۴ قواعد) و امثال آنها. مفاد قواعد داوری اتاق را در مطای بحثهای قسمت سوم مطالعه خواهیم کرد.

(۲) سازمان داوری اتاق

عنصر دوم نظام داوری اتاق سازمان داوری آن است که تشکیلات ساده‌ای دارد. سازمان داوری اتاق دو رکن دارد: اول دیوان داوری، دوم دبیرخانه دیوان، که هر کدام وظایف و اختیارات خاصی دارند که حسب مورد در قواعد داوری یا در اساسنامه دیوان و نیز در قواعد داخلی دیوان مشخص شده است.^{۲۳} رکن اصلی سازمان داوری اتاق، «دیوان بین‌المللی داوری» است که دبیرخانه را در کنار خود دارد. وظیفه اصلی سازمان داوری اتاق نظارت بر جریان داوری و اطمینان از اجرای درست قواعد داوری در هر پرونده است با این هدف اساسی که رأی صادره قابل اجرا باشد. سازمان داوری اتاق هیچ‌گونه مداخله حقوقی و قضایی در جریان داوری و رسیدگی به دعاوی ندارد و رأساً به دعاوی رسیدگی نمی‌کند، بلکه انجام داوری، اداره جریان داوری و رسیدگی به دعاوی و بالاخره تصمیم‌گیری و صدور رأی در هر پرونده برعهده همان داور یا داورانی است که طرفین انتخاب و معرفی می‌کنند.

کار دبیرخانه دیوان، چنان که در قسمت بعدی خواهد آمد، ارائه خدمات اداری و دفتری و پشتیبانی در دعاوی است که به داوری اتاق ارجاع می‌شود. در واقع دبیرخانه رابط بین دیوان و طرفین و داوران با

۲۳. اساسنامه دیوان داوری اتاق و قواعد داخلی آن، ضمیمه‌های شماره ۱ و شماره ۲ قواعد داوری اتاق است که متن انگلیسی آنها را همراه با ترجمه فارسی در بخش اسناد بین‌المللی آورده‌ایم.

یکدیگر است. چنان که خواهیم دید، به طور کلی، وظایف و اختیارات دیوان داوری اتاق بیشتر صبغه حقوقی دارد، اما وظایف و اختیارات دبیرخانه ماهیت اداری و خدماتی دارد، اما هیچکدام از آنها آزادی عمل طرفین یا تصمیم‌گیری‌های داوران را محدود نمی‌سازد. در واقع اختیاراتی که برای دیوان یا دبیرخانه پیش‌بینی شده که می‌توانند در بعض موارد تصمیماتی اتخاذ نمایند (مانند نصب داور به جای طرفی که از معرفی داور خود امتناع می‌ورزد و یا نصب رئیس هیأت داوری در صورتی که طرفین یا داوران ایشان نتوانند در این مورد به توافق برسند) برای تأمین رسیدگی صحیح و اجرای قواعد داوری است که طرفین قبلاً آن را پذیرفته‌اند و به آن ملزم شده‌اند. اکنون بینیم وظایف و اختیارات هریک از این دو رکن (دیوان داوری - دبیرخانه) چیست.

(۱-۲) دیوان داوری اتاق

دیوان داوری اتاق که نام رسمی و کامل آن «دیوان بین‌المللی داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی»^{۲۴} است. مهم‌ترین رکن سازمان داوری اتاق است. سازمان و وظیفه این دیوان را ذیلاً بررسی می‌کنیم.

(۱-۲-الف) سازمان دیوان داوری اتاق: این دیوان متشکل از حقوقدانان برجسته کشورهای مختلف است که در مسائل حقوقی بین‌المللی بویژه در زمینه حقوق تجارت بین‌الملل و داوری بین‌المللی صاحب‌نظر می‌باشند. کمیته ملی اتاق در هر کشور می‌تواند از بین حقوقدانان واجد شرایط، یک نفر عضو اصلی و یک نفر عضو علی‌البدل را برای عضویت در دیوان کاندیدا و پیشنهاد کند. افرادی که به این ترتیب پیشنهاد می‌شوند در

24. International Court of Arbitration of ICC.

صورتی که اوصاف لازم را داشته باشند، توسط رئیس دیوان به شورای جهانی اتاق معرفی می‌شوند و در صورت تصویب شورا به مدت سه سال به عضویت دیوان درمی‌آیند و مادام که فرد دیگری به جای ایشان پیشنهاد نشود، عضویت‌شان تجدید می‌شود. در حال حاضر دیوان داوری ۵۶ نفر عضو اصلی از کشورهای مختلف دارد که اغلب آنها در جلسات عمومی دیوان که سالانه دو بار تشکیل می‌شود، شرکت می‌کنند.

مطابق ماده ۲ قواعد داخلی دیوان، خود دیوان اعضا را به عنوان داور یا وکیل در پرونده‌ها انتخاب نمی‌کند، اما اگر در پرونده‌های داوری اتاق طرفین یا یکی از ایشان اعضای دیوان را به عنوان داور یا مشاور یا وکیل انتخاب یا منصوب کنند، عضو مربوط باید به دیوان اطلاع دهد و از حضور در جلسات دیوان که چنین پرونده‌هایی در آن مطرح می‌شود، ممنوع است. به هر حال، مطابق همان ماده رئیس دیوان و اعضای دبیرخانه نمی‌توانند به عنوان داور یا وکیل در پرونده‌ها معرفی شوند و عمل کنند.

دیوان، دارای یک نفر رئیس و دو نفر نایب رئیس می‌باشد که توسط شورای جهانی اتاق منصوب می‌شوند. دیوان داوری اتاق، یک ارگان (رکن) مستقل و خودگردان است و هیچ‌گونه وابستگی به اتاق بازرگانی بین‌المللی ندارد. اعضای دیوان هم با این که توسط کمیته ملی کشور متبوع خود معرفی می‌شوند، اما مستقل از آن کمیته می‌باشند و مکلفند محرمانه بودن اطلاعات و مدارک پرونده‌ها را که در دیوان مطرح می‌شود و به لحاظ سمت خود از آنها مطلع می‌شوند، حتی در برابر کمیته ملی کشور متبوع‌شان حفظ و رعایت کنند. (ماده ۱(۲) و ۱(۳) اساسنامه و دیوان و نیز ماده ۳ قواعد داخلی دیوان).

دیوان داوری اتاق، مطابق اساسنامه دیوان اداره می‌شود و دارای یک «قواعد داخلی» هم هست که ناظر به ساختار داخلی آن است. این دو سند،

ضمیمه شماره ۱ و شماره ۲ قواعد دیوان است.

دیوان داوری، هر سال دو جلسه عمومی دارد که با حضور اعضا تشکیل می‌شود و علاوه بر رسیدگی به موضوعات مهم که در پرونده‌های داوری در گوشه و کنار دنیا مطرح شده، به مسائل عمومی و سیاستگذاری نیز می‌پردازد و آخرین اطلاعات و تحولات را که در داخل سازمان داوری اتاق یا در عرصه داوری بین‌المللی رخ داده، مبادله می‌کند. علاوه بر این، دیوان همه ماهه یک جلسه کاری دارد که معمولاً در هفته آخر هر ماه تشکیل می‌شود و به امور جاری رسیدگی می‌کند. اما برای تسریع و حسن انجام وظایف و کارهایی که برعهده دیوان است و برای تصمیم‌گیری در دهها موضوع کوچک و بزرگ در انواع پرونده‌ها و داوری‌هایی که تحت قواعد داوری اتاق در گوشه و کنار جهان در جریان است و خصوصاً با توجه به حجم زیاد دعاوی (هر ماه، دهها و هر سال قریب پانصد فقره دعاوی جدید به داوری اتاق ارجاع می‌شود)؛ دیوان داوری مطابق مواد ۴ و ۵ اساسنامه و نیز ماده ۴ قواعد داخلی خود، مبادرت به تشکیل «کمیته دیوان»^{۲۵} کرده است که مرکب از رئیس دیوان و دو نفر از اعضا است و هر ماه سه بار تشکیل جلسه می‌دهد و کارهای روزمره دیوان را انجام می‌دهد. البته موضوعات مهمی مانند جرح داور، تعویض داور به علت قصور در انجام وظیفه و نیز بررسی و تأیید رأی داوری به کمیته ارجاع نمی‌شود و خود دیوان رسیدگی و تصمیم‌گیری می‌کند. به هر حال، تصمیم‌گیری در کمیته دیوان باید به اتفاق آراء باشد و اگر حاصل نشود، باید موضوع را به اولین جلسه دیوان ارجاع کند.

(۲-۱-ب) ساختار نظارت دیوان داوری/اتاق: گفتیم کار اصلی

25. Committee of the Court.

دیوان، عبارت است از نظارت مؤثر بر داوری‌هایی که مطابق قواعد اتاق به داوری ارجاع شده است. این نظارت از زمان تسلیم درخواست داوری به دبیرخانه آغاز و با صدور رأی پایان می‌پذیرد. هدف از اعمال نظارت و کنترل جریان داوری توسط دیوان داوری، عبارت است از اطمینان از اجرای صحیح قواعد داوری و رعایت آن در طول رسیدگی، با این نیت اصلی که رأی صادره حتی‌المقدور اشکالات و ایرادات شکلی نداشته باشد و در مرحله اجرا با مشکلی مواجه نشود یا لااقل کمتر با مشکل مواجه شود.^{۲۶}

نظارت ساختاری و مستقیم دیوان داوری در هر پرونده در دو مقطع مهم انجام می‌شود: اول، در شروع داوری که مسئله وجود و اعتبار موافقتنامه داوری مطرح می‌شود، دوم در پایان رسیدگی که رأی داوری صادر می‌شود. البته، تمام جریان رسیدگی و انجام داوری نیز همچنان تحت نظارت مستمر دیوان داوری می‌باشد که تفصیل آن را در قسمت سوم این مقاله خواهیم دید، اما نظارتی که دیوان در آستانه و در پایانه هر داوری به طور خاص اعمال می‌نماید، نهایت اهمیت را دارد، زیرا اولاً به صورت مستقیم است و ثانیاً مشروعیت و اعتبار حقوقی مرجع داوری مربوط و مشروعیت رأی و تصمیمات آن را تضمین می‌نماید.

مقطع اول که دیوان اعمال نظارت می‌کند در آستانه شروع داوری است و ناظر به احراز موافقتنامه داوری است. گفتیم، داوری مبتنی بر توافق و تراضی است و کسی را نمی‌توان به داوری اجبار کرد. موافقتنامه داوری اساس مشروعیت داوری و مبنای صلاحیت مرجع داوری است، از این رو مادام که طرفین موافقت نکرده باشند به داوری رجوع نمایند، داوری هم در کار نیست. جریان داوری با درخواست داوری از جانب خواهان شروع

۲۶. ماده ۳۵ قواعد داوری در این زمینه می‌گوید دیوان داوری اتاق و مرجع داوری مربوط (داور یا داوران در هر پرونده) کلیه مساعی لازم را برای این که رأی داوری قانوناً قابل اجرا باشد، انجام می‌دهند.

می‌شود که باید آن را به دبیرخانه دیوان تسلیم نماید. اما ممکن است در همین آستانه داوری، اساس و مبنای صلاحیت و مشروعیت داوری یعنی موافقتنامه داوری با رد و انکار طرف مقابل (خوانده) مواجه شود و مثلاً مدعی شود که اساساً قرارداد داوری وجود ندارد، یا ناظر به داوری اتاق نیست، یا آنچه به عنوان موافقتنامه داوری مطرح شده، معتبر نیست و صحیحاً منعقد نشده، یا از اصل باطل بوده، یا بعداً فسخ شده، یا متن آن مبهم است و حکایت از مراجعه به قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی نمی‌کند، و از این قبیل ایرادات. قبل از این که جریان داوری گامی به پیش رود، باید تکلیف این ایرادها در آستانه داوری معلوم شود. اما رسیدگی و تصمیم‌گیری در این زمینه آسان نیست و گاه مستلزم مباحث مفصل و تبادل لوايح و حتی لمس ماهیت است. از طرفی با وجود چنین ایراداتی که مشروعیت و اختیار مرجع داوری و صلاحیت او را انکار می‌کند، اساساً تشکیل مرجع داوری ممکن نیست تا بخواهد به ایرادات صلاحیتی رسیدگی نماید.

قواعد داوری اتاق، این مشکل را از طریق دیوان داوری حل کرده است. مطابق ماده ۶(۲) قواعد مذکور در صورتی که پس از تسلیم درخواست داوری نسبت به وجود موافقتنامه داوری یا اعتبار آن ایراد شود، دیوان داوری اتاق به موضوع رسیدگی می‌کند و اگر علی‌الظاهر (prima facie) متقاعد شود که موافقتنامه داوری برای ارجاع موضوع به داوری اتاق وجود دارد، کافی است که جریان داوری ادامه یابد. اما چون این تصمیم دیوان داوری درباره وجود موافقتنامه داوری صرفاً بر اساس ظاهر اسناد و مدارک صورت گرفته، و تصمیم ماهوی نیست و خاصیت امر مختومه ندارد، لذا ایرادکننده حق دارد ایراد خود را نزد داور یا داوران همچنان پیگیری کند و از مرجع داوری بخواهد که قبل از ورود به ماهیت، ابتدا به

مسئله صلاحیت رسیدگی نماید. مرجع داوری هم مأخوذ به تصمیم و اعلام نظر دیوان داوری نیست و چه بسا پس از رسیدگی‌های بیشتر و مفصل‌تر به این نتیجه برسد که موافقتنامه‌ای برای مراجعه به «داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی» به واقع وجود ندارد یا معتبر نیست و در نتیجه صلاحیت رسیدگی ندارد.

اما در صورتی که دیوان داوری متقاعد نشود که علی‌الظاهر موافقتنامه داوری اتاق وجود دارد، به طرفین اعلام می‌کند که داوری قابل ادامه نیست که در این صورت نیز چون تصمیم دیوان ماهوی نیست، طرف دیگر (خواهان) که مدعی و معتقد است موافقتنامه داوری واقعاً وجود دارد و معتبر است، می‌تواند به دادگاه صالح مراجعه و ادعای خود را پیگیری نماید. مقطع دوم که دیوان نظارت مؤثر خود را اعمال می‌کند، در پایانه جریان داوری است که مرجع داوری مربوط به مرحله تصمیم‌گیری و صدور رأی رسیده است. به موجب ماده ۲۷ قواعد دیوان، داور یا داوران مکلفند قبل از امضای رأی، پیش‌نویس آن را جهت بررسی و مذاقه^{۲۷} و نهایتاً تصویب به دیوان داوری تسلیم کنند، و در صورتی که دیوان آن را از نظر شکلی تصویب و تأیید کرد، می‌تواند آن را امضا و صادر نمایند. دیوان داوری، هنگام بررسی و کنترل رأی، ممکن است به دو نوع ایراد یا اشکال برخورد کند: ایرادات شکلی و ایرادات ماهوی. مطابق ماده ۲۷ مذکور، دیوان داوری می‌تواند رأی را از نظر شکلی - یعنی از حیث قواعد داوری اتاق و مقررات رسیدگی - اصلاح کند و مرجع داوری هم مکلف است از نظر دیوان تبعیت کند و ایرادات شکلی را که دیوان مشخص می‌کند، مرتفع سازد. اما در مورد ایرادات ماهوی رأی، دیوان فقط می‌تواند

۲۷. عنوان ماده ۲۷ قواعد دیوان چنین است: "Scrutiny of the Award by the Court" و در پایان ماده مذکور آمده است: «مادام که دیوان داوری، رأی را از نظر شکلی تأیید نکرده، مرجع داوری نمی‌تواند اصدار رأی کند». که آشکارا مفهوم تأیید و تصویب شکلی رأی توسط دیوان داوری از آن برمی‌آید.

آنها را به داور یا داوران یادآوری کند و حق ندارد در تشخیص حقوقی و قضایی ایشان دخالت کند. نوعاً تذکرات دیوان در موضوعات ماهوی نیز مورد توجه مرجع داوری قرار می‌گیرد اما داور یا داوران تکلیفی به رعایت آن ندارد.

هرچند این سیستم نظارت در رأی صادره، چنان که پیدا است، از نوع رسیدگی استینافی نیست اما باعث اعتبار بیشتر آراء داوری می‌شود، زیرا ضمن این که دیوان داوری در آزادی تصمیم‌گیری و تشخیص قضایی داوران مداخله‌ای نمی‌کند، با کنترل و برطرف کردن اشکالات شکلی رأی و نیز تذکر ایرادات احتمالی آن از حیث ماهوی ضریب اجرای آن را بالا می‌برد و از این که رأی صادره در مرحله اجرا از طریق دادگاههای داخلی با مشکل عدم شناسایی یا عدم اجرا مواجه شود، تا حدود زیادی جلوگیری می‌نماید و اطمینان بیشتری نسبت به صحت و اعتبار آراء داوری اتقاق بازرگانی بین‌المللی فراهم می‌کند. در همین زمینه لازم به یادآوری است که طبق ماده ۶ قواعد داخلی خود، دیوان مکلف است هنگام بررسی رأی طبق ماده ۲۷ قواعد، الزامات ناشی از قانون کشور محل داوری را ملحوظ دارد.

چنانکه اشاره شد، نظارت دیوان در طول جریان داوری هم اعمال می‌شود تا مطمئن شود که هم قواعد داوری به درستی رعایت می‌شود و هم سرعت رسیدگی تأمین گردد و از تأخیر و تعطیل رسیدگی جلوگیری شود. موارد نظارت و مداخله دیوان در طول جریان داوری عبارتند از:

- نصب داور یا داوران، در صورتی که طرفین به توافق نرسند یا یکی از آنها از معرفی داور خود امتناع ورزد (مواد ۸ - ۹ - ۱۰ قواعد).
- تعیین محل داوری، در صورتی که طرفین در این مورد توافقی نکرده باشند (ماده ۱۴ قواعد).

- رسیدگی به جرح داور به علت فقدان اوصاف لازم، یا درخواست تعویض او به علت سوء عملکرد یا ناتوانی (مواد ۱۱ - ۱۲ قواعد).
- تعیین مواعد یا تمدید آنها، در موارد لزوم.
- بررسی و کنترل مفاد «قرارنامه داوری» که شرح وظایف داوران را تعیین می کند (ماده ۱۸ قواعد).
- تعیین هزینه های داوری که شامل هزینه های اداری و حق الزحمه داوران است (ماده ۳۰ قواعد).
تفصیل و توضیح این موارد را در مباحث مربوط به جریان داوری در قسمت بعدی خواهیم دید.

(۲-۲) دبیرخانه

دومین رکن سازمان داوری اتاق، دبیرخانه دیوان داوری است که در واقع اداری دیوان است و تصمیمات آن را اجرا می کند. کار مهم دبیرخانه، ایجاد ارتباط بین اصحاب دعوا و داوران و نیز دیوان داوری اتاق و حفظ تماس مستقیم و مستمر با ایشان است. علاوه بر این، فراهم کردن تسهیلات و مقدمات تشکیل پرونده و شروع داوری، و سپس نظارت بر تبادل لوایح و مکاتبات در جریان داوری، و نیز وصول هزینه های داوری اتاق از جمله وظایف دبیرخانه است. به طور کلی دریافت درخواست داوری، ابلاغ به خوانده، دریافت جواب خوانده و ابلاغ به خواهان، کنترل و رعایت مواعد که در قواعد داوری آمده یا طرفین توافق می کنند، رسیدگی به اعتراضات در جریان داوری و اقدام مناسب یا گزارش به دیوان داوری، ابلاغ تصمیمات دیوان، ارتباط با طرفین و داوران و پاسخ به سؤالات آنها و بالاخره نگهداری آرشیو و سایر خدمات اداری برعهده دبیرخانه دیوان است.

در قواعد جدید داوری، برای تسهیل و تسریع بیشتر در رسیدگی داوری، در چند مورد به دبیرخانه اختیاراتی داده شده که بتواند رأساً عمل نماید بدون این که محتاج تصمیم‌گیری دیوان باشد.^{۲۸}

ساختار دبیرخانه اتاق یک ساختار بین‌المللی است و همواره سعی می‌شود اعضای آن از حقوقدانان کشورهای مختلف و از نظامهای حقوقی گوناگون انتخاب و منصوب شوند. دبیرخانه دارای تعدادی مشاور حقوقی از کشورهای مختلف است که هر یک از آنها مسؤول تعدادی از پرونده‌های داوری است. این مشاورین حقوقی نیز دستیارانی دارند. دبیرخانه زیر نظر دبیرکل عمل می‌کند.

نکته پایانی که درباره سازمان داوری اتاق باید یادآوری کنیم این است که گرچه محل دیوان داوری و دبیرخانه آن در پاریس - یعنی در مقر اتاق - است، اما یک سازمان فرانسوی محسوب نمی‌شود و اصطکاک با قوانین فرانسه ندارد. با این همه در مواردی که دیوان داوری تصمیم‌گیری حقوقی می‌کند، مراقب است که برخلاف مقررات و قوانین آمره فرانسه عمل نکند، و تلاش می‌کند ویژگی بین‌المللی آن محفوظ باشد و به یک مؤسسه فرانسوی تبدیل نشود.

۲۸. مثلاً مطابق ماده ۹ (۲) قواعد، دبیرکل می‌تواند پس از معرفی داور یا داوران توسط طرفین و در صورتی که داور مربوط اعلامیه مبنی بر مستقل بودن خود را به صورت بدون قید و شرط صادر کند یا اگر مشروط باشد، مورد اعتراض طرفین قرار نگرفته باشد، داور را تأیید و نصب نماید، درحالی که در قواعد قبلی تأیید و انتصاب داوران در همه حالت‌ها با دیوان داوری بود. یا مطابق ماده ۱۳ قواعد، دبیرخانه پیش‌پرداخت موقت هزینه‌های داوری را برای مرحله مقدماتی رسیدگی تا مقطع تهیه قرارنامه داوری تعیین می‌کند و همین که این هزینه را دریافت کرد، پرونده را به داور یا داوران تسلیم می‌نماید تا وارد مرحله تهیه قرارنامه داوری شود، درحالی که در مقررات قبلی تعیین کل هزینه‌ها تا پایان داوری با دیوان داوری بود و مادام که نیمی از آن وصول نمی‌شد پرونده به هیأت داوری تسلیم نمی‌شد.

هـ- ویژگی‌های کارکردی - حقوقی نظام داوری اتاق

اکنون که با زمینه‌های تشکیل نظام داوری اتاق آشنا شدیم، امتیازات اسلوب داوری را شناختیم و دیدیم که قاضی طبیعی برای حل اختلافات تجاری بین‌المللی داوری است، و عناصر ساختاری نظام داوری اتاق را نیز توضیح دادیم بهتر می‌توانیم ویژگی‌های حقوقی نظام داوری اتاق را بشناسیم. پیش از این در طلایه سخن به پاره‌ای ویژگی‌های سازمانی داوری اتاق اشاره کردیم و وعده دادیم ویژگی‌های کارکردی و حقوقی آن را بعداً بحث خواهیم کرد. اکنون نوبت آن در رسیده است.

ساختار نظام داوری اتاق بویژه کارکرد و وظایف دو عنصر تشکیل‌دهنده آن یعنی قواعد داوری و سازمان داوری آن، ویژگی‌های کارکردی و حقوقی خاصی به آن بخشیده است. این ویژگی‌ها عبارتند از:

(۱) سازمانی بودن داوری اتاق

(۱-۱) داوری موردی - داوری سازمانی

به طور کلی، داوری مبتنی بر توافق و قرارداد است که به موجب آن طرفین تراضی و تعهد می‌کنند که برای حل اختلاف به جای دادگستری، به داوری مراجعه نمایند. اما برای این که داوری انجام گردد، لامحاله محتاج قواعد و مقررات رسیدگی (آیین داوری) است که جریان داوری را از نظر شکلی سامان دهد و داوری در چارچوب آن شروع شود و انجام پذیرد. داوری را از حیث شکل انجام، به دو نوع تقسیم کرده‌اند: داوری موردی یا خاص^{۲۹} و داوری سازمانی یا نهادی.^{۳۰} منظور از داوری موردی آن است که جریان داوری و تشریفات رسیدگی از ابتدا تا انتها، شامل نحوه شروع

29. ad hoc.

30. institutional.

داوری، انتخاب داور یا داوران و تشکیل مرجع داوری، تبادل لوایح، انجام مکاتبات و ابلاغ‌ها، برگزاری جلسه استماع، استماع شهود و کارشناس، رسیدگی به جرح داور، و بالاخره صدور رأی و ابلاغ آن، همه و همه توسط خود طرفین دعوا و داوران ساماندهی و انجام شود. به عبارت دیگر، هدایت و مدیریت جریان رسیدگی مستقیماً و رأساً برعهده طرفین و داوران است که مطابق مقررات و قواعد داوری که برای همان مورد خاص تهیه و تدوین شده، برگزار می‌شود. بدیهی است پس از انجام داوری و صدور رأی، آن قواعد و مقررات که خاص همان مورد بوده طبعاً موضوعیت خود را از دست می‌دهد. در داوری‌های موردی چنانچه در جریان رسیدگی مشکلاتی رخ دهد، مانند این که یکی از طرفین داور خود را معرفی نکند، یا داور را جرح نماید، یا درباره بعض مسائل شکلی مانند تعیین محل داوری توافقی بین ایشان حاصل نشود، لامحاله باید به دادگاه صالح مراجعه شود، زیرا هیچ سازمان و تشکیلات مورد قبول طرفین وجود ندارد که بتواند در این قبیل موارد تصمیم بگیرد و مشکل را حل نماید. به همین لحاظ داوری‌های موردی در معرض انواع تأخیرها و بی‌نظمی‌ها است.^{۳۱}

و اما داوری سازمانی، همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، داوری‌یی است که با کمک و تحت نظارت یک سازمان یا موسسه داوری انجام می‌شود. این سازمان داوری، قواعد داوری و آیین رسیدگی را از قبل تهیه

۳۱. تهیه و تدوین قواعد داوری و مقررات رسیدگی برای هر مورد داوری، کار مهم، حساس و در عین حال وقت‌گیری است. نوشتن قواعد داوری یک کار تخصصی و فنی است که باید به حقوقدانان و اهل فن سپرده شود و از عهده اصحاب دعوا که تجار یا بازرگانان هستند بر نمی‌آید. به همین لحاظ و برای تسهیل کار بوده که آنسیترال (کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل — UNCITRAL) در سال ۱۹۷۶ مبادرت به تهیه یک سلسله قواعد داوری کرده که در داوریهایی موردی استفاده شود و طرفین یا داوران می‌توانند قواعد مذکور را برای انجام داوری موردی برگزینند یا اگر لازم می‌دانند متناسب با وضع دعوا و داوری، اصلاحات و تغییرات لازم را در آن اعمال نمایند. دیوان داوری ایران - ایالات متحده از قواعد داوری آنسیترال استفاده می‌کند (برای ملاحظه متن قواعد داوری آنسیترال، رک. دکتر محسن محبی، «بیانیه‌های الجزایر و دیوان داوری»، انتشارات خط سوم، ۱۳۷۸).

نموده که در همه داوریهایی که به آن ارجاع می‌شود، اعمال می‌گردد. در داوریهای سازمانی، جریان داوریهی مطابق قواعد داوریهی سازمان داوریهی مربوط انجام می‌شود و برای برگزاری داوریهی کمتر نیازی به عناصر و عوامل بیرونی است زیرا سازمان داوریهی مربوط به صورت یک نظام خودکفا و خودگردان عمل می‌کند و از این رو چنانچه در جریان کار مشکلی پیش آید، سازمان داوریهی ذیربط براساس اختیارات و وظایفی که در قواعد برای او پیش‌بینی شده، آن را مرتفع می‌سازد. به این ترتیب، هرچند هم در داوریهی موردی و هم در داوریهی سازمانی، اساس کار عبارت است از موافقتنامه اولیه داوریهی، اما امتیاز داوریهی سازمانی در این است که اولاً قواعد داوریهی و آیین رسیدگی آن از قبل معلوم است و ثانیاً یک مرجع سازمانی هم وجود دارد که بر حسن انجام داوریهی و رعایت قواعد نظارت می‌کند و مشکلات حین داوریهی را در داخل سیستم سازمانی داوریهی حل می‌کند و در نتیجه جریان داوریهی با اطمینان و انضباط بیشتری انجام می‌شود. نکته‌ای که نباید فراموش کرد آن است که در هر دو نوع داوریهی، کار داوریهی و رسیدگی به دعاوی و صدور رأی توسط خود داور یا داوران منصوب طرفین انجام می‌شود. به عبارت دیگر، در داوریهای سازمانی، سازمان داوریهی ذیربط هیچگونه دخالتی در آزادی عمل طرفین و نیز در تشخیص قضایی و ماهوی داوران ندارد، بلکه چنان که گفتیم، مداخله‌های احتمالی که برای رفع موانع و بن‌بست‌ها در جریان داوریهی انجام می‌دهد، بیشتر جنبه اداری دارد تا قضایی.

با توجه به توضیحاتی که دادیم، واضح است که داوریهی اتاق بازرگانی بین‌المللی از نوع داوریهای سازمانی است. زیرا همان‌طور که قبلاً اشاره شد، نظام داوریهی اتاق هم قواعد داوریهی دارد و هم سازمان داوریهی که از ابتدای داوریهی (تسلیم درخواست داوریهی) تا مرحله صدور حکم، بر حسن

جریان داوری نظارت می‌کند و خدمات و تسهیلات لازم را در اختیار طرفین قرار می‌دهد و به صورت یک نظام خودگردان و خودکفا عمل می‌کند که تفصیل آن را در قسمت سوم خواهیم دید.

امروزه علاوه بر سازمان داوری اتاق، مؤسسات داوری دیگری هم در سطح بین‌المللی وجود دارد اما داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی همچنان شاخص و پیشرو است که به برخی علل آن در مباحث قبلی اشاره کردیم. در اینجا بد نیست ابتدا بعضی از این سازمانهای داوری را اجمالاً معرفی کنیم، و سپس عوامل مطلوبیت سازمان داوری کدام است.

(۲-۱) مؤسسات داوری تجاری بین‌المللی

امروزه در سطح بین‌المللی سازمان‌های داوری گوناگونی وجود دارند که همانند نظام داوری اتاق هم قواعد داوری دارند و هم تشکیلات سازمانی برای نظارت بر داوری. از جمله نهادها و سازمانهای داوری بین‌المللی مشهورتر می‌توان از «انجمن داوری امریکا»^{۳۲}، «مؤسسه داوری اتاق بازرگانی استکهلم» (سوئد)^{۳۳} و بالاخره از «دادگاه داوری لندن»^{۳۴} نام برد. انجمن داوری امریکا در سال ۱۹۲۶ تأسیس شده است و هرچند یک سازمان داوری بین‌المللی است اما اغلب دعاوی که به قواعد آن ارجاع شده، جنبه داخلی (امریکایی) داشته است. مؤسسه داوری استکهلم به صورت یک مؤسسه داوری داخلی و در چارچوب اتاق بازرگانی استکهلم تشکیل شده و سابقه آن به سال ۱۹۱۷ برمی‌گردد. قواعد داوری این سازمان در سال ۱۹۶۷ مورد تجدیدنظر قرار گرفت با این هدف که بتواند در داوریه‌های بین‌المللی نیز مورد استفاده و اجرا قرار گیرد. همزمان با این تجدیدنظر، قانون داوری

32. American Association of Arbitration (AAA).

33. Arbitration Institute of Ostokholm Chamber of Commerce.

34. Court of Arbitration of London.

سوئد که مربوط به سال ۱۹۲۹ بود نیز مورد اصلاح قرار گرفت تا هماهنگی و همخوانی بیشتری با مقررات داوری مذکور داشته باشد و حمایت‌های قانونی و تسهیلات بیشتری برای داوری‌هایی که تحت قواعد داوری استکهلم انجام می‌شود، فراهم کند. مهم‌ترین نکته‌ای که در تاریخچه این مؤسسه داوری وجود دارد آن است که به سال ۱۹۷۷ انجمن داوری امریکا موافقتنامه‌ای با اتاق بازرگانی و صنایع شوروی سابق امضا کرد و در آن به بازرگانان امریکایی توصیه شد که برای حل و فصل اختلافات و دعاوی تجاری که با طرفهای روسی پیدا می‌کنند، به مؤسسه داوری استکهلم مراجعه نمایند، و از مقررات داوری آنسیترال ۱۹۷۶ برای حل و فصل آنها استفاده کنند.

لندن به طور سنتی محل داوری‌های تجاری بویژه برای حل و فصل اختلافات ناشی از قراردادهای حمل و نقل و بیمه بوده است. اما به خاطر مقررات نسبتاً محدودکننده‌ای که از حیث مداخله محاکم داخلی انگلیس در جریان داوری‌ها وجود داشت، همواره مشکلاتی ایجاد می‌شد که منشأ آن در قانون داوری مصوب ۱۹۵۰ بود. این قانون در سال ۱۹۷۹ اصلاح شده و موانع را از سر راه برداشته است و بویژه مورد اعتراض و استیناف‌خواهی نسبت به رأی داوری در محاکم انگلیس را محدود کرده است. این قانون یک بار هم در سال ۱۹۸۱ اصلاح شده و بالاخره در سال ۱۹۹۷ قواعد جدید داوری بین‌المللی که مورد قبول دادگاه داوری لندن قرار گرفته تصویب شده و اجرا می‌شود، تسهیلات بیشتری را فراهم می‌نماید. دادگاه داوری لندن تحت نظر مشترک شهرداری مرکز پولی-مالی لندن،^{۳۵} اتاق بازرگانی و نیز «انجمن داوران خبره»^{۳۶} اداره می‌شود.

35. City of London.

36. Association of Chartered Arbitrators.

(۳-۱) عوامل مطلوبیت سازمان داوری

به طور کلی برای ارزیابی جاذبه‌ها و مطلوبیت هر سازمان داوری می‌توان سه عامل را ملحوظ نمود: اول، کارایی، کفایت و انعطاف قواعد داوری سازمان مربوط به نحوی که در عین رعایت آزادی اراده طرفین، و نیز تأمین سرعت در رسیدگی، مبتنی بر اصول و موازین دادرسی صحیح و عادلانه نیز باشد. دوم، قابل پیش‌بینی بودن نتیجه داوری. هرچه قواعد داوری سازمان مربوط دقیق‌تر و برای مشکلات و بن‌بست‌هایی که در جریان داوری پیش می‌آید راه‌حلهای روشن و مناسب پیش‌بینی کرده باشد، طرفین راحت‌تر می‌توانند تصویر دقیق‌تری از جریان داوری تحت قواعد مذکور بدست آورند و بهتر می‌توانند پیش‌بینی کنند که در صورت مراجعه به قواعد مذکور نتیجه کار چه خواهد شد. شک نیست که هرچه ضریب قابل پیش‌بینی بودن بالا رود، اعتماد و اطمینان بیشتری برای مراجعه به داوری بدست می‌آید. سوم، گران نبودن خدمات سازمان داوری مربوط. به طور کلی، سازمانهای داوری در ازای خدمات و تسهیلاتی که برای طرفین فراهم می‌کنند، هزینه‌هایی دریافت می‌کنند. پیش از این در بحث از امتیازات داوری گفتیم، کم‌هزینه بودن داوری از جمله امتیازات و جاذبه‌های آن است. اگر قرار شود سازمان‌های داوری هزینه‌های گزاف دریافت کنند، اساس یکی از امتیازات داوری مخدوش خواهد شد. بنابراین متعارف و معقول بودن هزینه‌هایی که سازمان داوری مربوط دریافت می‌کند نیز یکی دیگر از عوامل مطلوبیت آن است.

نظام سازمانی داوری اتاق، این سه امتیاز را دارد: هم قواعد کافی و کارآمد دارد که مراحل مختلف جریان رسیدگی را دربرمی‌گیرد و صحت رسیدگی و سرعت کافی را برای انجام داوری تأمین می‌کند؛ هم به علت تجربه فراوانی که در طول سالها بدست آورده، قواعد داوری نسبتاً کامل و

جامعی دارد که روند داوری را تا حد زیادی قابل پیش‌بینی می‌سازد؛ و بالاخره هزینه داوری اتاق هم در مقایسه با هزینه‌های قضایی محاکم، بویژه در دعاوی کلان، هنوز مناسب‌تر است هرچند گاه از گران بودن داوری اتاق انتقاداتی می‌شود.

(۲) جهانی بودن

ویژگی دوم نظام داوری اتاق از حیث کارکردی - حقوقی، جهانی بودن آن است. نظام داوری اتاق، یک نظام عام‌الشمول و جهانی است، به این معنی که نظام داوری اتاق طوری طراحی شده که بدون هیچ محدودیت ملی یا منطقه‌ای یا محدودیت موضوعی قابل استفاده و اعمال است. بعضی مراکز و سازمانهای داوری وجود دارند که مخصوص دعاوی داخلی کشور محل تشکیل می‌باشند، یا احياناً در منطقه خاصی قابل استفاده‌اند. بعضی مؤسسات و مراکز داوری نیز هستند که به نوع خاصی از دعاوی رسیدگی می‌کنند، مانند مرکز داوری اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری (ایکسید).^{۳۷} اما قواعد داوری اتاق در کلیه دعاوی تجاری، صرفنظر از این که موضوع و نوع قرارداد منشأ اختلافات چه باشد، و نیز صرفنظر از این که موضوع و ماهیت حقوقی دعوا چه باشد، در همه نقاط جهان قابل اجرا و استفاده است. تنها قیدی که برای استفاده از قواعد داوری اتاق دارد این است که اختلاف یا دعوی مربوط واجد وصف تجاری و بازرگانی باشد. از نظر جغرافیایی نیز گرچه قواعد داوری اتاق اصولاً برای دعاوی بین‌المللی نوشته شده، اما به موجب ماده ۱(۱) قواعد مذکور در دعاوی تجاری داخلی هم به شرط

37. International Centre for the Settlement of Investment Disputes (ICSID).

این مرکز داوری بر اساس کنوانسیون واشنگتن ۱۹۶۵ در مورد حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین دولتها و اتباع سایر دول تشکیل شده است. برای ملاحظه متن کنوانسیون، رک. مجله حقوقی، شماره ششم، تابستان و پاییز ۱۳۶۵.

توافق طرفین دعوا قابل استفاده است. به لحاظ همین ویژگی است که قواعد داوری اتاق بدون محدودیت برای هرگونه دعوی تجاری از هر نوع که باشد، و نیز در هر نقطه‌ای از جهان که محل داوری باشد، قابل استفاده و اجرا است.

چنان که قبلاً اشاره کردیم، سازمان داوری اتاق هم با این که در پاریس (فرانسه) مستقر است از حیث ساختار و عملکرد وابستگی به کشور فرانسه ندارد و یک تشکیلات بین‌المللی است. اعضای دیوان داوری و نیز دبیرخانه آن که قریب ۴۰ نفر عضو دارد، از حقوقدانان و اشخاص متعلق به کشورهای مختلف و با نظامهای حقوقی گوناگون می‌باشند. مسؤولان و تصمیم‌گیرندگان اتاق توجه و اصرار دارند که این ترکیب بین‌المللی و جنبه جهانی بودن ساختار دیوان و دبیرخانه آن حفظ شود. به هر حال، ویژگی عام‌الشمول و جهانی بودن اتاق از جمله علل مهم اقتدار حرفه‌ای و اعتبار بین‌المللی آن است که همین اعتبار به آراء داوری صادره تحت قواعد اتاق نیز تسری می‌کند و نهایتاً اجرای آنها را تسهیل می‌کند.

(۳) بیطرفی و تساوی قواعد نسبت به طرفین

در نظر قواعد داوری اتاق، اصحاب دعوا مساوی هستند و قواعد نسبت به طرفین بیطرف است، به طوری که با اجرای قواعد مذکور هیچ‌یک از خواهان یا خوانده وضعیت ممتاز و بهتری نسبت به طرف دیگر پیدا نمی‌کند. نمونه‌هایی از اجرای بیطرفانه و مساوی قواعد نسبت به طرفین را در چند مورد خاص بهتر می‌توان مشاهده کرد: از حیث نصب داور برای طرف ممتنع، تعیین محل داوری، تعیین زبان داوری، تعیین آیین داوری (در مواردی که قواعد ساکت باشد) و نیز تعیین قانون ماهوی حاکم (در مواردی که طرفین قانون خاصی را تعیین نکرده‌اند)، از حیث معرفی نماینده

حقوقی یا وکیل در دعوا، و از حیث مشخصات و تابعیت داوران منتخب طرفین که می‌توانند هرکس را که مایل باشند و از هر کشوری به عنوان داور خود معرفی نمایند، و بالاخره از حیث انتخاب و نصب داور رئیس توسط دیوان داوری که کسی را منصوب می‌کند که تابعیت کشور هیچ‌یک از طرفین را نداشته باشد. در کلیه این قبیل موارد، که قواعد داوری حکمی را پیش‌بینی کرده هیچ‌یک از طرفین امتیاز خاصی ندارند و به هر دو به یک چشم می‌نگرد. توضیح و تفصیل همه این موارد ضرورتی ندارد، اما خوب است در مورد اعمال بیطرفانه و متساوی قواعد نسبت به طرفین از حیث انتخاب و نصب داور توسط دیوان توضیح بدهیم.

مطابق ماده ۸(۴) قواعد، در داوری‌های سه نفره هریک از طرفین می‌توانند داور مورد نظر خود را معرفی نمایند و اگر ظرف مهلت مقرر از معرفی داور امتناع ورزند- اعم از این که خواهان باشد یا خوانده- دیوان داوری به جای او داور را منصوب می‌کند. همچنین است در مورد داور ثالث (رئیس هیأت داوری) که اگر طرفین یا داوران ایشان نتوانند در مهلت مقرر به توافق برسند، دیوان داوری بدون این که حق اضافی یا امتیازی برای هیچ‌یک از خواهان یا خوانده در نظر بگیرد، شخصی را که البته هم تابعیت با طرفین نخواهد بود، به عنوان داور ثالث و رئیس هیأت داوری انتخاب و منصوب می‌کند.

یکی دیگر از مصادیق بیطرفی قواعد نسبت به طرفین را می‌توان در نصب داور در داوری‌های چندطرفه دید. منظور از داوری چندطرفه آن است که یکی از طرفین (یا هر دو آنها) مرکب از چند واحد یا شخص یا شرکت باشند که مجموعاً طرف خواهان یا طرف خوانده را تشکیل می‌دهند. در این قبیل موارد، مطابق ماده ۱۰ قواعد داوری، ابتدا به همه اعضای طرف مربوط (خواهان یا خوانده) فرصتی داده می‌شود که مشترکاً و متفقاً یک

نفر را به عنوان داور خود معرفی نمایند. مشکل هنگامی رخ می‌نماید که اجزاء و اعضای طرف مربوط نتوانند در انتخاب داور مشترک به توافق برسند، درحالی‌که طرف مقابل داور خود را انتخاب و معرفی کرده است. در چنین حالتی، اگر قرار باشد دیوان به جای آنها یک نفر داور منصوب کند، طرف‌های متعدد عملاً از داشتن داور منتخب و مورد نظر خود در هیأت داوری محروم می‌شوند، درحالی‌که طرف دیگر این امکان و امتیاز را داشته که داور مورد اعتماد و علاقه خود را به هیأت داوری بفرستد، و این موجب عدم تساوی طرفین خواهد بود. به همین لحاظ در بند ۲ ماده ۱۰ قواعد آمده است که اگر طرف متعدد (خواهان یا خواننده) نتوانند داور مشترک خود را انتخاب و معرفی کنند، هر سه نفر اعضای هیأت داوری، توسط دیوان داوری اتاق انتخاب و منصوب خواهند شد، در نتیجه طرف مقابل که احیاناً داور خود را معرفی کرده نیز در وضعیت مساوی با طرف دیگر قرار می‌گیرد، زیرا تمام اعضای هیأت داوری را خود دیوان منصوب می‌کند.

به هر حال، بیطرفی و تساوی قواعد داوری اتاق نسبت به طرفین داوری، از اصول پایه‌ای داوری و دادرسی صحیح و اجرای قانون است، و از چنان اهمیتی برخوردار است که در صورت نقض آن، رأی داوری در معرض ایراد و حتی ابطال قرار می‌گیرد.

(۴) قطعی و لازم‌الاجرا بودن آراء داوری اتاق

هدف نهایی طرفین از مراجعه به داوری آن است که مرجع داوری به اختلافات و دعاوی ایشان پایان دهد و نزاع را به شیوه‌ای قطعی حل و فصل کند. برای دستیابی به این هدف، باید رأی داوری اولاً قطعی باشد یعنی در معرض تجدید نظر و استیناف و اعتراض قرار نگیرد، و ثانیاً

لازم‌الاجرا باشد یعنی در صورتی که محکوم‌علیه به آن تمکین نکند، بتوان آن را به اجرا درآورد. این دو خصوصیت مطلوب همان است که «قطعی و لازم‌الاجرا بودن رأی» نامیده می‌شود و از جمله عوامل مهم رونق و اعتبار داوری است، زیرا اگر طرفین مطمئن نباشند که رأی صادره قطعی و قابل اجرا است، انگیزه‌ای برای مراجعه به داوری ندارند.

قطعی بودن رأی: در نظام رسیدگی قضایی در دادگاه که دادرسی چند مرحله‌ای است، معمولاً رأی بدوی قطعی نیست (مگر در دعاوی که قانون مقرر کرده باشد رأی قطعی است) و قابل استیناف و اعتراض است و حتی قابل فرجامخواهی نیز هست. ولی در داوری‌ها که قصد طرفین رسیدگی سریع‌تر و عاری از تشریفات طولانی قضایی است، رأی داوری قطعی و لازم‌الاجرا است. اما بحث در این است که چگونه می‌توان این اوصاف را برای رأی داوری فراهم کرد. در رسیدگی قضایی، منشأ قطعی و لازم‌الاجرا بودن رأی دادگاه، قانون است اما در داوری‌ها منشأ آن توافق طرفین در مراجعه به داوری است. به این معنی که گاه طرفین بالصراحه در موافقتنامه داوری قید می‌کنند که رأی داوری قطعی و لازم‌الاجرا است که در این صورت تردیدی باقی نمی‌ماند که رأی قطعی است و نسبت به طرفین لازم‌الاجرا خواهد بود. مشکل آنجاست که در موافقتنامه داوری چنین شرطی وجود نداشته باشد. اما در این مورد نیز می‌توان گفت که توافق و تراضی اولیه اصحاب دعوا که به داوری و تصمیم شخص ثالث (داور) مراجعه نمایند، به طور ضمنی حاوی این توافق و تعهد اضافی نیز هست که تصمیم شخص ثالث (رأی داوری) را محترم بشمرند و اجرا نمایند. در داوری‌های اتاق نیز موضوع این‌گونه حل می‌شود که در ماده ۲۸(۶) قواعد داوری اتاق مقرر شده که رأی داوری قطعی و لازم‌الاجرا است. در واقع طرفین با مراجعه به قواعد اتاق متعهد می‌شوند که رأی را

بدون تأخیر اجرا نمایند و چنین تلقی می‌شود که حق اعتراض خود به رأی را نیز ساقط کرده‌اند. البته تا جایی که این اسقاط معتبر و مجاز باشد.^{۳۸} علاوه بر مفاد این ماده، سازمان داوری اتاق هم با نظارتهای خود بر جریان داوری، تا حدود زیادی مانع از این می‌شود که رأی صادره با ایرادات و اشکالاتی مواجه گردد که آن را در معرض اعتراض و ابطال قرار دهد و بدینسان ضریب قطعی بودن رأی و اجرای آن را بالا می‌برد. علاوه بر ماده ۳۵ قواعد داوری اتاق که می‌گوید دیوان داوری و مرجع داوری مربوط همه مساعی خود را برای این که رأی صادره قابل اجرا باشد، به کار می‌گیرند، مطابق ماده ۶ قواعد داخلی دیوان، دیوان داوری در مقطع بررسی پیش‌نویس رأی داوری حتی‌المقدور الزامات امری ناشی از قوانین محل داوری را ملحوظ داشته و اگر اشکال و ایرادی از این حیث مشاهده نمود به رفع آن برمی‌آید، زیرا اگر رأی داوری مقررات آمره کشور محل صدور را نقض کند، با مشکل بزرگی در مرحله اجرا مواجه می‌شود. به هر حال، نه تنها مطابق قواعد داوری اتاق که طرفین آن را پذیرفته‌اند، آراء داوری که تحت قواعد آن صادر می‌شود لازم‌الاجرا است، بلکه سیستم نظارت سازمان داوری اتاق هم طوری است که تأمین‌های فراوانی را برای اجرای رأی داوری فراهم می‌کند.

لازم‌الاجرا بودن رأی: در مورد لازم‌الاجرا بودن رأی باید توجه

۳۸. در مورد سلب حق اعتراض به رأی داوری باید توجه داشت که در ماده ۲۸(۶) قواعد داوری ذکر شده «تا جایی که بتوان حق اعتراض به رأی را معتبراً ساقط کرد، طرفین این حق را اسقاط می‌کنند». نکته آن است که در بعضی کشورها صرف توافق طرفین در قطعی و غیرقابل اعتراض بودن رأی کافی نیست که رأی صادره با هر مضمونی و هر حکمی قطعی و لازم‌الاجرا شود. زیرا گناه ممکن است رأی داوری برخلاف قوانین آمره و نظم عمومی و اخلاق حسنه آن کشور باشد و از اساس باطل باشد، یا احیاناً داور یا داوران از اختیارات و صلاحیت خود تجاوز کرده و نسبت به موضوعی رأی داده باشند که یا قابل داوری نبوده یا از اصل به داوری ارجاع نشده است. در چنین حالتی طرفین نمی‌توانند به صرف توافق، اجرای قانون آمره آن کشور را کنار گذارند یا نقض نظم عمومی را نادیده بگیرند. بلکه توافق ایشان در اسقاط حق اعتراض باید مورد شناسایی و تأیید قانون نیز باشد.

داشت که لازم‌الاجرا بودن غیر از مکانیسم اجرای رأی است و موکول به قوانین داخلی کشور محل اجرا است. به عبارت دیگر، در صورتی که محکوم‌علیه، رأی داوری لازم‌الاجرا را رعایت و اجرا نکند، باید به دادگاه محل اقامت او مراجعه و تقاضای شناسایی و اجرای حکم به عمل آورد. البته اجرای آراء داوری که تحت قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی صادر شده، چون علی‌الاصول قطعی و لازم‌الاجرا است و نیز چون با نظارت یک سازمان داوری معتبر صادر شده و دیوان داوری اتاق هم آن را تأیید کرده، محاکم با اطمینان بیشتری به آنها می‌نگرند و آسان‌تر و سریع‌تر شناسایی می‌کنند و دستور اجرا (اجرائیه) صادر می‌کنند.^{۳۹}

۳

جریان داوری در نظام داوری اتاق

جریان هرگونه دادرسی معمولاً با تسلیم دادخواست آغاز و با صدور رأی پایان می‌پذیرد، اعم از این که در داوری باشد یا دادگاه، تفاوت قضیه در این است که در رسیدگی قضایی، مرجع رسیدگی (دادگاه) از قبل تشکیل شده و به حکم قانون موجود است، درحالی که در رسیدگی داوری، قبل از تسلیم دادخواست باید ابتدا داور یا داوران انتخاب شوند و مرجع داوری تشکیل شود. علاوه بر این، در رسیدگی قضایی، آیین دادرسی به موجب قانون از قبل مشخص شده و موجود است، درحالی که در داوری‌ها باید ابتدا تکلیف قواعد داوری و مقررات رسیدگی معلوم شود. به این معنی که اگر داوری از نوع داوری موردی باشد، باید خود طرفین (یا داوران ایشان پس از انتخاب) مقررات داوری را برای خصوص مورد تهیه نمایند، و

۳۹. در مورد اجرای آراء داوری، رک. مباحث بند ج در قسمت سوم.

چنانچه طرفین توافق کرده باشند که داوری خود را مطابق قواعد داوری یک سازمان داوری مانند قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی انجام دهند، از این حیث یک گام جلو هستند زیرا قواعد رسیدگی از قبل آماده شده و تنها اقدامی که قبل از شروع داوری باید انجام شود، انتخاب داور یا داوران و تشکیل مرجع داوری است که تحت همان قواعد و با کمک و نظارت همان سازمان داوری صورت می‌پذیرد.

با توجه به این توضیحات و نیز با توجه به قواعد داوری اتاق، می‌توان جریان داوری‌هایی را که مطابق قواعد داوری اتاق انجام می‌شوند به سه مرحله تقسیم کرد: مرحله اول، از زمان تسلیم درخواست داوری تا زمان تنظیم «قرارنامه داوری»⁴⁰ که عمدتاً تحت نظر و با مساعدت دبیرخانه دیوان انجام می‌گیرد. در این مرحله، داوران انتخاب، مرجع داوری تشکیل می‌شود، شرح وظایف داوران نیز طی سند موسوم به «قرارنامه داوری» تنظیم و مشخص می‌گردد، و جریان داوری سامان می‌گیرد و منعقد می‌شود و پرونده مهیای رسیدگی می‌شود. مرحله دوم، عبارت است از شروع رسیدگی به ادعاهای طرفین و مرافعات ایشان، تا زمان صدور رأی. این مرحله پس از تنظیم و امضای قرارنامه داوری شروع می‌شود که دبیرخانه پرونده را به داور یا داوران تسلیم می‌کند و مشتمل است بر رسیدگی و بررسی ادعاها و ایرادات و مرافعات طرفین، تبادل لوایح، معرفی شهود یا کارشناس، تشکیل جلسه استماع شفاهی، و بالاخره اعلام ختم رسیدگی توسط مرجع داوری - مرحله سوم نیز عبارت است از شور داوران (در داوری‌های سه نفره) و تهیه پیش‌نویس رأی و ارسال آن جهت بررسی و تأیید دیوان داوری و سپس صدور آن و آنگاه اجرای رأی که اگر محکوم‌علیه طوعاً آن را اجرا نکند، ناگزیر باید به دادگاه صالح مراجعه

40. Terms of reference.

شود. چنانکه پیدا است، حاقّ داوری و کانون حل و فصل دعوا در مرحله دوم یعنی رسیدگی به ادعاها و صدور رأی است. اینک ببینیم جریان رسیدگی داوری تحت قواعد داوری اتاق چگونه انجام می‌گیرد و مشکلاتی که احیاناً در هر مرحله پیش می‌آید چگونه حل می‌شود و سازمان داوری اتاق چگونه جریان داوری را ساماندهی و بر آن نظارت می‌نماید. در این قسمت قواعد داوری اتاق را نیز متناسب با مباحث مطروحه، بررسی خواهیم کرد.

الف- مرحله اول: از درخواست داوری تا امضای قرارنامه داوری

(۱) تسلیم درخواست داوری و پاسخ آن

نقطه آغاز داوری در اتاق بازرگانی بین‌المللی، تسلیم «درخواست داوری» است که باید به دبیرخانه اتاق در پاریس داده شود یا از طریق کمیته ملی یکی از کشورها (اغلب کشور متبوع خواهان) به دبیرخانه فرستاده شود. معمولاً متقاضی داوری که «درخواست داوری» می‌دهد، خواهان است اما هیچ مانعی ندارد که طرفین متفقاً درخواست داوری خود را به دبیرخانه تسلیم نمایند و داوران خود را معرفی و حتی موضوعات تحت اختلاف را مشترکاً تعریف و تعیین کنند و بخواهند که مرجع داوری فوراً وارد رسیدگی شود و رأی دهد.^{۴۱}

پس از وصول «درخواست داوری»، دبیرخانه آن را تحت شماره‌ای ثبت می‌کند و به یکی از مشاورین حقوقی دبیرخانه ارجاع می‌کند و سپس دریافت درخواست را همراه با نام و مشخصات مشاوره که برای پرونده انتخاب شده و متصدی آن است، به هر دو طرف اعلام می‌نماید. از این به

۴۱. سازمان داوری اتاق در حال حاضر مشغول بررسی و تهیه مقرراتی است که برای رسیدگی به «دعای کوچک» (small claims) مورد استفاده قرار گیرد. هدف آن است که در این قبیل دعاوی مقررات سهل‌تر و سریع‌تری برای رسیدگی وضع شود و نیازی به رعایت مقررات مفصل داوری نباشد.

بعد، کلیه مکاتبات و ارتباطات طرفین و داوران با دبیرخانه و دیوان داورى اتاق از طریق همین مشاور حقوقی انجام می‌شود. به هر حال، تاریخ وصول «درخواست داورى» به دبیرخانه، تاریخ شروع داورى است.

مطابق ماده ۴(۳) قواعد داورى اتاق، خواهان باید در «درخواست داورى» خود نکات زیر را متذکر شود و توضیح دهد:

– مشخصات طرفین (اصحاب دعوا) و آدرس آنها
– شرح مختصری از نوع و ماهیت ادعاها و اوضاع و احوالی که منجر به بروز اختلاف و ادعا شده
– شرح خواسته مورد تقاضا که حتی المقدور باید با ذکر مبلغ خواسته باشد

– ذکر قرارداد اصلی که منشأ اختلاف است، بویژه ذکر موافقتنامه داورى برای مراجعه به داورى اتاق
– اظهار نظر درباره تعداد داوران، و نحوه انتخاب ایشان مطابق قواعد اتاق، بویژه معرفی داور توسط خواهان
– اظهار نظر درباره محل داورى، زبان داورى، و نیز قانون حاکم.

دبیرخانه، قبل از ارسال درخواست داورى برای خواننده دعوا، مطابق جدول هزینه‌ها مبلغی را به صورت موقت برای هزینه‌هایی که علی‌القاعده برای این مرحله مقدماتی تا زمان تنظیم و امضای قرارنامه داورى لازم است، تعیین می‌کند و به خواهان ابلاغ می‌کند و مهلتی نیز معلوم می‌نماید که آن را بپردازد. مطابق ماده ۵(۴) قواعد، در صورتی که خواهان این پیش پرداخت موقتی را نپردازد، پرونده در همین جا بسته می‌شود معذک خواهان می‌تواند مجدداً آن را طی دعوای جدیدی مطرح نماید. به هر حال، پس از دریافت پیش‌پرداخت هزینه‌ها، دبیرخانه درخواست داورى را برای

خوانده می‌فرستد و خوانده ۳۰ روز مهلت دارد که به آن پاسخ بدهد و در صورتی که ادعای متقابل دارد می‌تواند ضمن همین جوابیه مطرح نماید (ماده ۵(۵) قواعد). بعد از وصول جوابیه خوانده، دبیرخانه آن را برای خواهان می‌فرستد، و اگر حاوی دعوای متقابل باشد خواهان نیز ۳۰ روز مهلت دارد که پاسخ ادعای متقابل را بدهد.

مطابق ماده ۵(۱) قواعد، پاسخ خوانده به درخواست داوری باید از جمله، شامل نکات زیر باشد:

- نام و مشخصات و آدرس کامل او (خوانده)
- اعلام نظر درباره ماهیت اختلافات و اوضاع و احوالی که منجر به بروز اختلاف و ادعا شده
- پاسخ به خواسته مورد تقاضای خواهان
- اعلام نظر درباره تعداد داوران و انتخاب ایشان در پرتو پیشنهادی که خواهان داده و نیز معرفی داور مورد نظر خود
- اعلام نظر درباره محل داوری، زبان داوری و نیز قانون حاکم.

چنانچه خوانده بخواهد دعوای تقابل مطرح نماید، ادعای متقابل نیز باید حاوی موارد زیر باشد:

- توضیح ماهیت اختلاف و نیز اوضاع و احوالی که منجر به بروز ادعای متقابل شده است
- ذکر خواسته متقابل مورد تقاضا، و حتی المقدور تعیین مبلغ آن.

اگر خوانده ظرف مهلت ۳۰ روزه پاسخی ندهد، مانع از ادامه جریان داوری نیست (ماده ۶(۱) قواعد). معذک خوانده می‌تواند برای پاسخ به درخواست داوری، تقاضای تمدید مهلت بنماید، مشروط به این که در همین

مقطع درباره تعداد داوران و انتخاب ایشان اظهار نظر کرده باشد و بویژه داور خود را نیز معرفی نماید (ماده ۵(۲) قواعد). این تدبیر برای آن است که مرجع داوری هرچه زودتر تشکیل شود و خواننده نتواند به بهانه تمدید مهلت پاسخ یا عدم معرفی داور خود، از تشکیل هیأت داوری جلوگیری نماید یا آن را به تأخیر اندازد.

لازم به یادآوری است که «درخواست داوری» و نیز «پاسخ» آن و حتی دعوی متقابل که در این مرحله مقدماتی داده می‌شود، دادخواست و دفاع به معنای مصطلح نیست، و همان‌طور که در بالا دیدیم، محتویات آنها عبارت است از اطلاعات اولیه و مقدماتی که برای ساماندهی جریان داوری و شروع رسیدگی لازم است. به همین لحاظ است که در بین نکاتی که باید در درخواست داوری و پاسخ آن ذکر شود به جای طرح دعوا یا تبادل لوایح یا دفاع مثلاً گفته شده «اعلام نظر درباره ماهیت و نوع اختلاف و زمینه بروز آن» یا در مورد خواسته گفته شده «ذکر خواسته و در صورت امکان مبلغ آن»، زیرا در این مرحله مقدماتی چه بسا هنوز ارزیابی خواسته و تعیین مبلغ دقیق آن ممکن نباشد. روش صحیح نیز همین است که در قواعد داوری اتاق آمده است، زیرا طرح مسائل ماهوی و تبادل لوایح و ارائه اسناد و مدارک باید نزد خود مرجع داوری که وظیفه رسیدگی و حل و فصل دعوا را دارد، انجام شود و ربطی به دبیرخانه دیوان که یک مرجع اداری است و تسهیلات و خدماتی را برای راه انداختن داوری ارائه می‌کند، ندارد. به هر حال، معمولاً پس از این که جریان داوری وارد مرحله دوم شد، با دستور مرجع داوری، خواهان «دادخواست تفصیلی» می‌دهد، خواننده دفاع ماهوی می‌کند و هر دو طرف تبادل لوایح می‌کنند و مطالب و دفاعیات اصلی خود را مطرح می‌کنند.

(۲) وجود موافقتنامه داوری

اساس داوری، قرارداد و توافق طرفین است و داوری اجباری بویژه در سطح بین‌المللی وجود ندارد و حتی در حقوق داخلی هم داوری اجباری در بعضی امور تجاری که به حکم قانون مقرر شده باشد، استثناء است.^{۴۲}

موافقتنامه داوری ممکن است هنگام انعقاد قرارداد اصلی و به صورت شرط ضمن قرارداد در یکی از مواد آن درج شده باشد که آن را «شرط داوری» گویند، یا به صورت جداگانه و طی یک سند مستقل منعقد شود که «موافقتنامه یا قرارداد داوری» نام دارد. گاه ممکن است یکی از طرفین (خواهان) بدون هیچگونه موافقتنامه یا شرط داوری قبلی به داوری تاق مراجعه و درخواست داوری بدهد که اگر طرف مقابل (خوانده) بپذیرد، طبعاً به معنای انعقاد موافقتنامه داوری است و معتبر محسوب می‌شود. موافقتنامه داوری، اساس مشروعیت و صلاحیت داوری است و اگر وجود نداشته باشد، یا به دلیلی مخدوش باشد، یا باطل یا فسخ شده باشد طبعاً داوری هم وجود نخواهد داشت و به هر حال نمی‌توان طرف را به داوری اجبار کرد.

به این ترتیب، این احتمال وجود دارد که هنگامی که یکی از طرفین به داوری تاق مراجعه می‌کند، طرف مقابل وجود موافقتنامه داوری را انکار نماید یا استدلال کند قرارداد مذکور فسخ شده و یا از اساس معتبر نبوده یا

۴۲. مثلاً به موجب ماده ۱۷ قانون بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵، اختلافات بین کارگزاران بورس و خریداران یا فروشندگان به یک هیأت داوری سه نفره ارجاع می‌شود که متشکل از داوران منصوب بانک مرکزی، اتاق بازرگانی و دادگستری است. علاوه بر این، به موجب مواد ۹ به بعد (فصل سوم) قانون برنامه سوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مقرر شده سهام شرکتهای بخش دولتی با رعایت شرایط خاصی به بخش خصوصی و تعاونی فروخته شود. سپس در ماده ۲۰ همان قانون پیش‌بینی شده که «رسیدگی، اظهار نظر و اتخاذ تصمیم در مورد شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی از هریک از تصمیم‌ها در امر واگذاری در صلاحیت هیأت داوری است...» این هیأت داوری هفت نفره است که پنج نفر از اعضای آن با تصویب هیأت وزیران برای مدت شش سال منصوب می‌شوند و دو نفر دیگر عبارتند از رئیس اتاق بازرگانی و رئیس اتاق تعاون.

این که اگر هم موافقتنامه داوری منعقد شده، راجع به انواع خاصی از اختلافات و دعاوی بوده، و یا این که مقصود از ارجاع امر به داوری مراجعه به داوری اتاق بازرگانی نبوده است و امثال آنها. مضمون این قبیل ایرادات فی الواقع ناظر است به وجود و اعتبار موافقتنامه داوری یا قلمرو آن، و اگر پذیرفته شود نتیجه آن عدم صلاحیت مرجع داوری است.

رویه سنتی در این قبیل موارد که به صلاحیت داوری ایراد می‌شد آن بود که جریان داوری در همان ابتدای کار متوقف می‌شد و مدعی (ایرادکننده) مجبور بود به دادگاه صالح رجوع کند و اگر دادگاه اعتبار موافقتنامه داوری را احراز و تأیید می‌کرد، جریان داوری ادامه می‌یافت. اشکال این رویه آن بود که اول باید داور یا داوران انتخاب می‌شدند و مرجع داوری تشکیل می‌گردید تا ایراد صلاحیت قابل طرح باشد، که این امر مسلماً باعث تأخیر و تطویل کار و حتی صرف هزینه‌هایی می‌شد. اما مطابق رویه فعلی داوری بین‌المللی، خود مرجع داوری صلاحیت دارد که به صلاحیت خود رسیدگی کند که اصطلاحاً آن را «صلاحیت به صلاحیت»⁴³ گویند. از لحاظ نظری دو مبنا برای این رویه وجود دارد: یکی این که قصد واقعی طرفین از مراجعه به داوری آن است که موضوع از صلاحیت محاکم دادگستری خارج شود که در تفسیر اراده طرفین در این قبیل موارد باید این واقعیت را مورد توجه جدی قرار داد. بنابراین صرف ارجاع دعاوی و اختلافات به داوری، به طور ضمنی به این معنی است که طرفین توافق کرده‌اند که مرجع داوری صلاحیت داشته باشد به مسئله صلاحیت خود و قلمرو آن نیز رسیدگی کند زیرا مقدمه لازم و شرط عملی شدن و معنادار بودن توافق طرفین در مراجعه به داوری همین است که مرجع داوری بتواند تصمیم بگیرد آیا صلاحیت و مشروعیت رسیدگی به

43. competence du competence.

دعوی مطروحه را دارد یا نه. دوم این که شرط داوری که ضمن قرارداد اصلی آمده، مستقل از قرارداد است و در نتیجه اشکالات و ایرادات قراردادی (مانند بی اعتباری، بطلان، فسخ قرارداد اصلی) به شرط داوری تسری نمی کند زیرا یکی از ادعاها و اختلافات ناشی از قرارداد اصلی که به داوری ارجاع شده همین است که یکی از طرفین مدعی شود قرارداد و از جمله شرط داوری مندرج در آن معتبر نیست یا فسخ شده و طرف دیگر بگوید معتبر است.^{۴۴}

در سیستم داوری اتاق، رویه بینابینی برای حل مسئله صلاحیت اتخاذ شده است به این معنی که اگر در آستانه شروع دعوا خوانده در مورد وجود یا اعتبار موافقتنامه داوری ایراد نماید، موضوع به دیوان داوری اتاق ارجاع می شود که پیش از این درباره آن صحبت کردیم و گفتیم یکی از مراحل نظارت مؤثر دیوان در همین جا است.^{۴۵} در این حالت، اگر دیوان با بررسی قضیه متقاعد شود که موافقتنامه داوری به صورت علی الظاهر وجود دارد، همین مقدار برای ادامه داوری کافی است، ولی چون تصمیم دیوان ماهوی نیست و به صورت علی الظاهر اتخاذ شده، ایرادکننده می تواند ایراد خود را نزد مرجع داوری مطرح کند و ادامه دهد و مطابق قاعده صلاحیت به صلاحیت، خود مرجع داوری صلاحیت دارد به مسئله و ایرادات صلاحیتی، رسیدگی نماید. از طرف دیگر، اگر دیوان داوری اتاق علی الظاهر متقاعد نشود که موافقتنامه داوری وجود دارد، مراتب به طرفین اعلام می شود که داوری قابل ادامه نیست، منتهی چون تصمیم دیوان در این مورد نیز تصمیم

۴۴. استقلال شرط داوری از قرارداد اصلی در ماده ۶(۴) قواعد داوری اتاق آمده که می گوید: «... صرف این ادعا که قرارداد اصلی [که شامل شرط داوری است] باطل و بی اعتبار است، یا قراردادی وجود نداشته، صلاحیت مرجع داوری را متوقف نمی کند، مشروط به این که مرجع داوری اعتبار موافقتنامه داوری را احراز نماید...».

۴۵. رک. ص ۵۳ به بعد همین مقاله.

ماهوی نیست، مانع از این نخواهد بود که مدعی وجود موافقتنامه داوری، موضوع را نزد دادگاه صالح پیگیری نماید (ماده ۶(۲) قواعد).

(۳) تشکیل مرجع داوری

مرجع داوری از داور یا داورانی که طرفین یا دیوان داوری اتاق معرفی یا منصوب می‌کنند، تشکیل می‌شود. یکی از مهم‌ترین امتیازات داوری این است که طرفین می‌توانند داور مورد اعتماد خود را انتخاب کنند و رسیدگی به دعوا را به کسی بسپارند که به نظر ایشان صلاحیت و تخصص و اعتبار کافی دارد. اما اگر همین امتیاز ضمانت اجرای مؤثری نداشته باشد و به درستی مورد استفاده قرار نگیرد، می‌تواند دشواریهای اساسی را ایجاد کند و حتی انجام داوری را مختل و متعذر سازد، و آن هنگامی است که یکی از طرفین از معرفی داور خود امتناع ورزد یا در مرحله انتخاب داور مشترک که مستلزم همکاری و توافق هر دو طرف است، حاضر به همکاری و توافق نشود و بهانه‌جویی نماید. اگر این مشکل در داوریهای موردی، پیش آید ناگزیر باید به دادگاه مراجعه کرد تا از جانب طرف ممتنع، داور نصب کند که البته مسیر طولانی و وقت‌گیری است. اما در داوریهای سازمانی مانند داوری اتاق، ضمانت اجرای کافی و مؤثر در قواعد داوری اتاق آمده و دیوان داوری آن را به سرعت حل می‌نماید و به جای طرف ممتنع، داور نصب می‌کند.

به طور کلی طرفین می‌توانند توافق کنند که داوری به صورت یک نفره برگزار شود یا به صورت سه نفره که هیأت داوری تشکیل می‌شود (به ندرت ممکن است هیأت داوری بیش از سه نفر باشد). در داوریهای یک نفره، داور منفرد را طرفین به اتفاق و با توافق انتخاب و معرفی می‌کنند، اما در داوریهای سه نفره هریک از طرفین، یک نفر داور خود را معرفی

می‌کنند و سپس داور ثالث را - که رئیس هیأت داوری نیز هست - مشترکاً انتخاب و منصوب می‌کنند که معمولاً انتخاب او را به عهده دو نفر داوران خود واگذار می‌نمایند.

انتخاب و معرفی داور منحصر به شروع داوری نیست، بلکه ممکن است در اثنای داوری نیز ضرورت یابد، این که یکی از داوران فوت کند یا استعفا دهد یا در اثر جرح یا ناتوانی از انجام وظیفه داوری، کنار گذاشته شود که در همه این حالت‌ها لازم خواهد بود که شخص دیگری به جای او معرفی شود. بنابراین انتخاب داور، جرح داور و تعویض او سه مطلبی است که باید ذیل «تشکیل مرجع داوری» مطالعه کنیم.

(۱-۳) انتخاب داور

قواعد داوری اتاق برای انتخاب و معرفی داور مقررات روشن و مطمئنی دارد و ضمن این که اصل آزادی اراده و انتخاب طرفین برای معرفی داور را محترم و مقدم دانسته و حقوق مساوی برای ایشان قایل شده است اما ترتیبی داده که عدم معرفی داور مانع از تشکیل مرجع داوری و ادامه داوری نشود. علاوه بر این، قواعد داوری اتاق نحوه انتخاب داور در داوریه‌های چندطرفه را نیز پیش‌بینی کرده که از نوآوریهای آن به شمار می‌رود.

معرفی داور: مطابق ماده ۸(۲) قواعد، در صورتی که طرفین درباره تعداد داوران توافقی نکرده باشند، اصولاً مرجع داوری یک نفره خواهد بود که خود دیوان داوری اتاق او را انتخاب و منصوب می‌کند، مگر این که به نظر دیوان داوری موضوع دعوا و اوضاع و احوال آن طوری باشد که لازم باشد هیأت داوری سه نفره تشکیل گردد، که در این صورت دیوان به خواهان ۱۵ روز مهلت می‌دهد که داور خود را معرفی کند و از تاریخ

معرفی داور خواهان ۱۵ روز هم به خواننده فرصت می‌دهد که داور مورد نظر خویش را انتخاب و معرفی نماید.

طبق ماده ۸(۳) قواعد در صورتی که طرفین توافق و شرط کرده باشند که اختلافات فی‌مابین به داور منفرد ارجاع شود، می‌توانند ظرف ۳۰ روز داور مورد نظر را با توافق انتخاب و معرفی کنند و اگر نتوانند ظرف این مهلت به توافق دست یابند، دیوان داوری او را منصوب می‌کند. چنانچه طرفین توافق کرده باشند که اختلاف فی‌مابین به هیأت داوری سه نفره ارجاع شود، هر کدام می‌توانند داور خود را معرفی نمایند و اگر استنکاف ورزند، دیوان داور او را منصوب می‌کند. رئیس هیأت داوری (داور ثالث) هم توسط دیوان انتخاب و معرفی می‌شود، اما طرفین می‌توانند توافق کنند که رئیس هیأت داوری به ترتیب دیگری انتخاب شود (مانند این که خود ایشان یا داوران منتخب ایشان، یا احیاناً یک مقام ثالث - مثلاً رئیس اتاق بازرگانی محل - داور ثالث را منصوب کند).

در مواردی که طبق قواعد داوری، دیوان باید داور انتخاب کند (اعم از داور منفرد، داور رئیس، یا داور طرف ممتنع) ابتدا با کمیته ملی اتاق در کشورهای مربوط مشورت می‌کند و از آنها می‌خواهد فرد یا افرادی را پیشنهاد کنند (مواد ۹(۳) و ۹(۶) قواعد). داورانی که اتاق به عنوان داور منفرد یا رئیس هیأت داوری انتخاب و منصوب می‌کند نباید با اصحاب دعوا هم تابعیت باشند، و در صورتی که هم تابعیت باشند، ابتدا دیوان باید مراتب را به طرفین اطلاع دهد و اگر اعتراضی نکردند می‌تواند او را انتخاب و نصب کند (ماده ۹(۵) قواعد).

تأیید داور توسط دیوان: در کلیه مواردی که داور یا داوران انتخاب و معرفی می‌شوند، باید انتصاب ایشان به این سمت به تأیید و تصویب دیوان داوری برسد. مطابق ماده ۹(۱) قواعد، دیوان هنگام بررسی و تأیید

داور تابعیت او، اقامتگاه او، سهولت دسترسی به او، توانایی او در انجام وظیفه و سایر ملاحظات از قبیل سوابق کاری و تجارب او را در نظر می‌گیرد. تأیید و نصب داور بر عهده دیوان است اما ماده ۹(۲) قواعد که از مواد الحاقی به قواعد جدید است اجازه داده که دبیرکل دیوان داوری نیز در موارد خاصی این کار را انجام دهد، و آن هنگامی است که طرفین با توافق داور مربوط (اعم از داور منفرد، رئیس هیأت داوری یا داور طرف) را معرفی کرده باشد و اعلام استقلال داور نیز بدون قید و شرط باشد یا اگر شرطمند است طرفین به آن اعتراضی نکرده باشند.

از نظر حقوقی، با تأیید و تصویب داور توسط دیوان یا دبیرخانه، در واقع نوعی رابطه حقوقی و قراردادی بین او و سازمان داوری اتاق و طرفین برقرار می‌شود که به موجب آن داور مکلف به انجام وظیفه و رعایت قواعد داوری می‌شود (ماده ۷(۵) قواعد) کما این که استعفای داور باید در دیوان پذیرفته شود. علاوه بر این، داور یا داورانی که نصب آنها به تأیید دیوان داوری رسیده از امتیازات و مصونیت‌های مقرر در قواعد نیز برخوردار می‌شوند. مطابق ماده ۳۴ قواعد داوری که از نوآوری‌های آن است هم داوران و هم اعضای دیوان و دبیرخانه از هرگونه مسئولیت ناشی از فعل یا ترک فعل در جریان رسیدگی یا داوری، معاف می‌باشند. هدف این ماده فراهم کردن امنیت بیشتر برای داوران و نیز برای مسؤولان دیوان و دبیرخانه است که با اطمینان خاطر و بدون واهمه از عواقب تصمیمات و اعمال یا ترک عمل، کار اصلی خود را انجام دهند. به هر حال، شرط معافیت از مسئولیت که در ماده ۳۴ قواعد آمده آن است که داوران وظیفه خود را به صورت متعارف و با رعایت موازین انجام دهند و لذا در صورت ارتکاب تقصیر عمدی یا تخلفات عمدی همچنان مسؤول خواهند بود.

استقلال و بیطرفی داور: فرد یا افرادی که به عنوان داور معرفی

می‌شوند، باید مستقل از طرفین باشند و در طول جریان داوری هم استقلال خود را حفظ نمایند. منظور از استقلال داور آن است که رابطه خادم و مخدومی با طرف نداشته باشد، با هیچ‌یک از طرفین اشتراک یا تعارض منافع نداشته باشد، و شرایطی داشته باشد که بتواند فارغ از هر ملاحظه‌ای بیطرفانه به دعوا رسیدگی نماید و رأی دهد. منظور از بیطرفی داور نیز آن است که هنگام رسیدگی و رأی تحت تأثیر عوامل و ملاحظات گوناگون قرار نگیرد و فقط قانون و موازین حقوقی و عدالت را در نظر بگیرد. شرط استقلال و بیطرفی داور، نهایت اهمیت را دارد و در صورتی که مخدوش شود، او را در معرض جرح و سلب سمت داوری قرار می‌دهد، که بعداً بررسی می‌کنیم.

وصف استقلال و بیطرفی، هم عینی است و هم ذهنی و باید به طور قطعی وجود داشته باشد و نسبت‌بردار نیست و خود شخص داور بهتر از هر کس به آن وقوف دارد و موظف است آن را حفظ نماید. از این رو، داوران نیز نهایت مراقبت را می‌کنند که این اوصاف را حفظ نمایند زیرا اساس حیثیت و اعتبار ایشان است. ماده ۷(۲) قواعد در این مورد می‌گوید، کسی که به عنوان داور نامزد و معرفی شده و قرار است با تصویب دیوان داوری، داور بشود مکلف است ابتدا اعلامیه‌ای کتبی مبنی بر این که مستقل از اصحاب دعوا است امضا کند و به دبیرخانه دیوان تسلیم نماید و ضمن آن باید هرگونه اوضاع و احوال یا واقعیت‌هایی که ممکن است استقلال او را در نظر طرفین با تردید مواجه سازد، اعلام و افشاء کند. (مانند این که در استخدام یکی از طرفین بوده، یا مشاور حقوقی یا وکیل یکی از طرفین باشد، یا در شرکت او سهامدار باشد، یا در پرونده دیگری وکیل طرف مقابل باشد و امثال اینها). دبیرخانه این اعلامیه مستقل بودن داور را به طرفین می‌دهد و مهلتی قائل می‌شود که درباره آن اظهار نظر نمایند. در

صورتی که هیچ‌یک از طرفین نظری ندهند، بدان معنی است که استقلال داور در نظر ایشان مخدوش نیست، اما در صورتی که به نظر ایشان مفاد اطلاعات و واقعیاتی که در اعلامیه مذکور آمده یا اطلاعاتی که خود ایشان از سایر منابع دارند، استقلال او را در معرض تردید قرار دهد، می‌تواند به معرفی او به عنوان داور اعتراض نمایند که رسیدگی به آن با دیوان داوری است. در هر حال، تصمیم دیوان درباره تصویب و تأیید داور یا رد نامزدی او، قطعی است (ماده ۷(۴) قواعد).

استقلال و بیطرفی داور، تکلیف اوست و موظف است در طول رسیدگی هم آن را حفظ نماید. به همین لحاظ ماده ۷(۳) قواعد مقرر می‌کند که در صورتی که در اثنای رسیدگی، برای داور واقعیات و اوضاع و احوالی پیش آید که استقلال او را در معرض تردید و شبهه قرار دهد (مانند این که در شرکت یکی از طرفین سهامدار شود)، مکلف است آن را افشاء نماید. در صورتی که چنین وضعی پیش آید و داور اعلام نکند، اما یکی از طرفین از آن مطلع شود می‌تواند مراتب را به دیوان اعلام کند و داور مربوط را جرح نماید که بعداً به آن می‌پردازیم.

(۲-۳) انتخاب داور در داوریه‌های چند طرفه

منظور از داوری چند طرفه آن است که یکی از طرفین و یا گاه هر دو آنها، مرکب از چند شرکت یا شخص حقیقی باشند که متفقاً طرف خواهان یا طرف خوانده را تشکیل دهند و نفع مشترک در دعوا دارند. این وضعیت در قراردادهای بین‌المللی چندطرفه که به صورت کنسرسیوم منعقد می‌شود، بیشتر پیش می‌آید. در چنین حالتی، اگر بین طرفین اختلافی حاصل شود و به داوری رجوع کنند، آن را «داوری چند طرفه» گویند.^{۴۶}

46. Multy-party arbitration.

در این صورت، اگر قرار باشد هر یک از اعضای طرف خواهان یا طرف خوانده داور خود را معرفی نماید، هیأت داورى حداقل چهار نفره خواهد شد که رسیدگی و تصمیم‌گیری را با مشکل مواجه می‌سازد و هنگام صدور رأی حصول اکثریت را غیرممکن می‌کند. مضافاً که یکی از طرفها که مرکب از دو واحد یا شرکت است، دو نفر داور خواهد داشت و طرف دیگر یک نفر که این هم به معنای عدم تساوی طرفین خواهد بود. از سوی دیگر، وادار کردن اعضای طرف خواهان یا طرف خوانده که مشترکاً یک نفر داور را انتخاب نمایند، به معنای محروم کردن ایشان از داشتن داور مورد نظر خود می‌باشد، و از این حیث به منزله عدم تساوی طرفین است. مسئله داوریه‌های چند طرفه از مسائل پیچیده و مهم داورى بین‌المللی است که مدت‌ها در محافل حقوقی مورد بحث بوده، اما امروزه رفته رفته رویه نسبتاً مشخصی در مورد آن بوجود آمده است.

قواعد داورى اتاق تا قبل از اصلاح سال ۱۹۹۸ درباره داوریه‌های چند طرفه صراحت کافی نداشت، اما ماده ۱۰ قواعد فعلی مشخصاً به این موضوع اختصاص یافته و سعی کرده حداکثر تساوی و بیطرفی را در مرحله انتخاب داور در داوریه‌های چند طرفه رعایت کند. به موجب بند ۱ این ماده در داوریه‌های چند طرفه که باید به هیأت داورى سه نفره ارجاع شود، هر یک از طرفهای دعوا، اعم از خواهان یا خوانده که به صورت متعدد باشند باید متفقاً یک نفر داور مشترک معرفی نمایند. مطابق بند ۲ همین ماده، اگر اعضای تشکیل دهنده طرف مربوط نتوانند متفقاً داور مشترک انتخاب نمایند یا در صورتی که همه طرفها اساساً نتوانند در مورد نحوه تشکیل مرجع داورى توافق کنند، دیوان داورى اتاق همه اعضای هیأت داورى را انتخاب و منصوب می‌نماید و یک نفر از ایشان را نیز به عنوان رئیس هیأت داورى برمی‌گزیند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در چنین حالتی دیوان

داوری اتاق حتی برای طرف مقابل که ممکن است داور خود را معرفی کند و مشکلی نداشته باشد، نیز داور منصوب می‌کند. علت اتخاذ این رویه در ماده مذکور آن است که با همه طرفها رفتار مساوی شده باشد و هیچ‌یک از طرفین دعوا در موقعیت بهتر و مساعدتری از حیث داشتن داور اختصاصی، قرار نگیرد. زیرا اگر قرار باشد دیوان فقط برای طرفی که اعضای آن نتوانسته‌اند در انتخاب داور مشترک به توافق برسند، داور نصب کند ولی طرف مقابل داور منتخب خود را داشته باشد، عملاً طرف اول در موقعیت فروتر و بدتری قرار گرفته است. به همین لحاظ، در این قبیل موارد دیوان، کل هیأت داور را تعیین می‌کند تا همه طرفها از حیث داشتن داور در وضعیت مساوی باشند.^{۴۷}

(۳-۳) جرح داور

پیش از این گفتیم که داور باید هنگام انتصاب به این سمت و نیز در طول انجام وظیفه و مأموریت خود تا زمان صدور رأی، صفت استقلال داشته باشد و بیطرف هم باشد. استقلال و بیطرفی داور، ضامن صحت

۴۷. چند سال قبل که در یک داوری چند طرفه (معروف به پرونده «دوتکو») طرف‌های متعدد نتوانسته بودند داور مشترک معرفی کنند و به همین لحاظ دیوان یک نفر داور را به جای ایشان منصوب کرده بود. اما طرف مقابل ایشان داور اختصاصی خود را داشت. طرفهای متعدد به این وضع اعتراض کردند و به دادگاه پاریس مراجعه و مدعی شدند که تساوی نسبت به طرفین رعایت نشده و طرف مقابل که نتوانسته داور خود را انتخاب و معرفی کند، وضع بهتر و ممتازی پیدا کرده است. این موضوع تا دیوان عالی کشور فرانسه پیش رفت و دیوان کشور هم نظر ایشان را پذیرفت و اعلام کرد اگر قاعده رفتار مساوی با طرفین مخدوش شود، خلاف نظم عمومی فرانسه است. همین تصمیم دیوان کشور که در پرونده «دوتکو» اتخاذ شده بود و به همین نام هم معروف شده، موجب شد دیوان طی بخشنامه‌ای اعلام کرد در داوری‌های چند طرفه اگر یکی از طرفین نتواند داور خود را مشترکاً معرفی کند، کل هیأت داور توسط دیوان داور تعیین و منصوب خواهد شد. بعداً که قواعد اصلاح شد همین مطلب به صورت ماده ۱۰ فعلی درآمده است. رک.

Dutco, Siemens AG and BKMI Industriellen Legal GmbH vs. Auto contraction C°. French Cour de Cassation, 1 ch. Civile, 7 jan. 1992.

رسیدگی و اعتبار تصمیم او است. قواعد داوری اتاق در ماده ۷(۲) داور را ملزم می‌کند که قبل از تأیید او در دیوان، اعلامیه‌ای کتبی مبنی بر دارا بودن صفت استقلال را امضا کند و اگر بعداً اوضاع و احوالی حادث شد که استقلال او را با تردید مواجه می‌سازد، نیز موظف است آن را اعلان و افشاء کند. در این صورت با طرفین است که آیا همچنان به او اعتماد بورزند یا بخواهند که کناره‌گیری نمایند. و نیز اشاره کردیم که استقلال و بیطرفی داور یک مفهوم ذهنی و قائم به شخص است، اما موارد عدم استقلال و بیطرفی، عینی و خاص (سوئزکتیو) است و بسته به اوضاع و احوال متفاوت است. مثلاً موضع‌گیری به نفع یکی از طرفین در جریان رسیدگی یا ندادن اجازه دفاع از موارد نقض بیطرفی است، و نیز داشتن رابطه خادم و مخدومی با ایشان، یا ذینفع بودن در دعوا از مصادیق بارز عدم استقلال است.

ضمانت اجرای استقلال و بیطرفی داور، جرح او است. به این معنی که اگر داور هریک از طرفین یا داور رئیس فاقد این صفت باشد و حاضر نشود کناره‌گیری نماید، هریک از طرفین می‌تواند او را جرح کند. ماده ۱۱ قواعد دیوان درباره تشریفات جرح، مقررات روشن و صریحی را پیش‌بینی کرده است. مطابق ماده ۱۱(۱) جرح داور به علت عدم استقلال یا سایر علل، باید به صورت کتبی به دبیرخانه دیوان تسلیم شود و حاوی شرح و اوضاع و احوالی باشد که مبنای جرح قرار گرفته است و مطابق بند ۲ ماده مذکور اعلام جرح باید ظرف ۳۰ روز از تاریخ تأیید نصب داور توسط دیوان داوری یا اگر علت جرح بعداً در حین رسیدگی حادث شود و یا اگر از قبل وجود داشته ولی بعداً مکشوف شود، باید ظرف ۳۰ روز از تاریخی باشد که جرح‌کننده از آن مطلع شده است. رسیدگی به جرح برعهده دیوان داوری اتاق است و تصمیم او در این مورد قطعی است و دیوان مکلف نیست دلایل خود را در مورد قبول یا رد جرح اعلام کند (ماده ۷(۴))

قواعد). رسیدگی به جرح دو مرحله دارد: یکی قابل استماع بودن آن از این حیث که آیا به موقع مطرح شده یا نه، دوم از لحاظ ماهوی از این حیث که آیا ادله جرح قانع کننده هست یا نه. دیوان می تواند هر دو مرحله را یکجا تصمیم گیری کند یا آن را تفکیک کند اما در هر حال، ابتدا باید موضوع به داور مجروح و نیز طرف مقابل اعلام و به آنها مهلتی داده شود که اظهار نظر نمایند.

همان طور که پیداست، جرح داور هنگامی معنی پیدا می کند که او به این سمت منصوب شده باشد و آلا در زمان معرفی و نامزد شدن داور، جرح معنی ندارد و اگر یکی از طرفین نسبت به استقلال و بیطرفی او ایرادی داشته باشد یا از مسائلی مطلع باشد که او را در معرض عدم استقلال قرار می دهد، می تواند نسبت به معرفی او اعتراض کند، که طبعاً دیوان داوری هنگام بررسی و تأیید نصب او مراتب را ملحوظ می کند و اگر ادله مستندی وجود داشته باشد، چه بسا او را تأیید نکند.

جرح داور به معنای سلب اعتماد و بی اطمینانی نسبت به او است و اگر پذیرفته شود، حیثیت حرفه ای و آبروی اجتماعی او را ملکوک می کند. متأسفانه گاه جرح داور، به عنوان عامل فشار به داور یا ایجاد تأخیر در داوری مورد سوءاستفاده قرار می گیرد. اعلام جرح داور، ادامه داوری را با مانع مواجه می کند زیرا صلاحیت و اعتماد به او برای رسیدگی و صدور رأی تحت سؤال قرار می گیرد و مادام که این اعتماد و اطمینان باز نگردد، مشروعیت تصمیمات و اقدامات او هم مخدوش و غائب است. بنابراین، در صورت جرح داور جریان داوری متوقف می شود تا تکلیف جرح معلوم شود، اگر دیوان داوری اتاق جرح را بپذیرد، طبعاً داور مجروح از ادامه کار ممنوع می شود و مرجع داوری یکی از اعضای خود را از دست می دهد و باید جانشین او تعیین و انتخاب شود. در صورت رد جرح، داور به کار خود

ادامه می‌دهد، اما مانع از جرح مجدد البته به علل جدید، نیست و جرح به کرات ممکن است.

(۴-۳) تعویض داور

یکی از مسائل مربوط به تشکیل مرجع داوری عبارت است از «تعویض داور». تعویض داور هنگامی پیش می‌آید که یکی از داوران از انجام وظایف خود ناتوان باشد (مانند بیماری، اشتغال به مشاغل زیاد و کمبود وقت، یا ناتوانی حرفه‌ای) یا داور فوت کند یا استعفا نماید و دیوان استعفای او را بپذیرد، یا جرح او مورد قبول قرار گیرد، و بالاخره ممکن است طرفین داوری متفقاً درخواست تعویض داور را بنمایند. (ماده ۱۲ (۱) قواعد).

علاوه بر این موارد، ممکن است خود دیوان هم به تشخیص خود به این نتیجه برسد که داور عملاً یا قانوناً قادر به انجام وظیفه نیست یا معذور است و تصمیم به تعویض او بگیرد، بدون این که طرفین درخواست تعویض را کرده باشند ماده ۱۲ (۲) قواعد).

تعویض داور، با جرح داور متفاوت است زیرا در تعویض، استقلال و بیطرفی داور محل تردید نیست و به همین لحاظ نحوه رسیدگی و تعیین جانشینی او نیز با جرح فرق می‌کند. رسیدگی و تصمیم‌گیری به مسئله تعویض داور با دیوان داوری است. مطابق ماده ۱۲ (۴) هرگاه در جریان رسیدگی لازم شود که داور عوض شود (مانند فوت یا بیماری، یا ناتوانی، یا جرح، یا استعفای داور، یا تشخیص دیوان، یا درخواست مشترک همه طرفها)، اولاً دیوان داوری موضوع را بررسی و تصمیم می‌گیرد آیا لازم است برای تعیین جانشین داور همان تشریفات اولیه درباره انتخاب و معرفی داور اجرا شود، یا باید به طریق دیگری عمل شود. ثانیاً پس از این که

جانشین داور مذکور به هر نحو مشخص شد و مرجع داوری تکمیل گردید، دیوان می‌تواند تصمیم بگیرد که آیا لازم است جریان رسیدگی که نزد مرجع قبلی انجام شده، از نو تجدید شود و اگر آری از چه مقطعی به بعد و تا چه حدودی. از طرفی، اگر پس از اعلام ختم رسیدگی (مثلاً حین شور و صدور رأی)، تعویض داور ضرورت یابد ممکن است همان تعداد داوران باقیمانده بتوانند کار را تمام و رأی را صادر کنند و ضرورتی نداشته باشد که داور جدیدی انتخاب و تعیین گردد. زیرا در این صورت، یا باید تمام جریان رسیدگی از نو تجدید شود که مسلماً وقت‌گیر و پرهزینه و غیرضروری است، یا باید از داور جدید خواست که صرفاً در شور و صدور رأی مداخله کند که صحیح به نظر نمی‌رسد از او خواسته شود امضای خود را ذیل رأیی بگذارد که در رسیدگی به آن مشارکتی نداشته است. این است که در ماده ۱۲(۵) قواعد، موضوع این‌گونه حل شده که در این قبیل موارد (ضرورت تعویض داور در مرحله پس از ختم رسیدگی) در صورتی که دیوان مناسب بداند، می‌تواند پس از کسب نظر طرفین و داوران باقیمانده و سایر اوضاع و احوال مؤثر در موضوع تصمیم بگیرد و داور جانشین تعیین نکند و همان تعداد داوران باقیمانده کار را تمام کنند که اصطلاحاً آن را هیأت داوری ناقص^{۴۸} گویند.

هدف از این مقررات تسهیل‌کننده، آن است که ضمن رعایت حقوق طرفین و با دادن فرصت اظهارنظر به ایشان، سرعت رسیدگی نیز تأمین شود و از تأخیرهای بی‌جا در جریان داوری جلوگیری شود و ضمناً هیچ‌یک از طرفین نتوانند از امکان تعویض داور، برای تأخیر و اختلال در کار داوری سوءاستفاده نمایند.

در پایان این بخش بد نیست یادآوری کنیم که در داوریه‌های موردی

48. truncated tribunal.

تشکیل مرجع داوری و مسائل جنبی آن از مسائل دشوار و تأخیرآفرین است، زیرا مرجع سازمانی صالحی که بتواند به موقع تصمیم‌گیری کند و موانع را از سر راه بردارد، وجود ندارد. در قواعد داوری آنسیترال که برای داوریه‌های موردی نوشته شده، این نوع مسائل به «مقام منصوب‌کننده»^{۴۹} ارجاع می‌شود (رک. مواد ۸ تا ۱۲ قواعد آنسیترال).

(۴) پیش‌پرداخت هزینه‌های داوری

سازمان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی در ازای خدمات و تسهیلاتی که برای انجام داوریه‌ها فراهم می‌کند، هزینه‌هایی وصول می‌کند. هزینه‌های داوری را نهایتاً دیوان تعیین می‌کند و مرکب از دو قلم اصلی است: هزینه اداری که خود اتاق دریافت می‌کند، و حق الزحمه داوران. البته برای ثبت درخواست داوری ۲۵۰۰ دلار به عنوان حق‌الثبت نیز دریافت می‌شود. میزان هزینه داوری در هر پرونده نسبت به مبلغ خواسته و پیچیدگی‌های دعوا تغییر می‌کند، اما ملاک محاسبه هزینه‌ها ثابت است و مطابق جدولی است که ضمیمه شماره ۳ قواعد داوری اتاق را تشکیل می‌دهد. روش وصول هزینه‌های داوری اتاق کمی پیچیده، اما متعادل است و نسبت به طرفین مساوی و بیطرف می‌باشد.

مطابق ماده ۳۰(۱) قواعد، دبیرکل پس از وصول درخواست داوری مبلغی را که برای تأمین هزینه‌های داوری تا مقطع تنظیم و امضای قرارنامه داوری عرفاً کافی باشد، براساس جدول هزینه‌ها تعیین می‌کند و به خواهان ابلاغ می‌کند که پرداخت کند، که در صورتی که نپردازد دعوی او در همان مرحله مختومه اعلام می‌شود اما مانع از طرح مجدد نخواهد بود. بقیه هزینه‌های داوری، بعداً در هر زمان که عملی باشد، توسط دیوان داوری

49. appointing authority.

محاسبه و تعیین می‌شود که پرداخت آن بالمناصفه برعهده طرفین است و مبلغ پرداختی خواهان در این مرحله نیز بابت سهم او منظور می‌شود. شیوه وصول هزینه‌ها طوری طراحی شده که تضمین‌های لازم برای دریافت آن فراهم باشد. به نحوی که اگر پرداخت نشود جریان داورى متوقف می‌شود (ماده ۳۰(۴) قواعد) و اگر نسبت به هر قسمت از ادعا هزینه‌های آن پرداخت نشود، آن قسمت از ادعا قابل رسیدگی نیست و مسترد شده محسوب می‌شود (ماده ۳۰(۴) قواعد). علاوه بر این در پایان رسیدگی که رأی صادر شده نیز، دبیرخانه در صورتی رأی داورى را ابلاغ می‌کند که هزینه‌های داورى به طور کامل پرداخت شده باشد (ماده ۲۸(۱) قواعد). پرداخت هزینه‌های داورى که دیوان داورى اتاق محاسبه و معلوم کرده، بالمناصفه برعهده طرفین است. اما اگر یکی از طرفین (معمولاً خواننده) حاضر نشود سهم خود را بپردازد، طرف دیگر (خواهان) می‌تواند در صورت تمایل سهم او را نیز بپردازد تا داورى ادامه یابد (ماده ۳۰(۳) قواعد).

در صورتی که خواننده دعوای متقابل مطرح کند، هزینه آن جداگانه تعیین می‌شود. در این صورت نیز پرداخت آن بالمناصفه برعهده طرفین است، اما اگر خواننده متقابل (خواهان) سهم خود درباره دعوای متقابل را ندهد، خواهان متقابل می‌تواند سهم او را بپردازد تا ادعای تقابل قابل رسیدگی باشد (ماده ۳۰(۴) قواعد و نیز ماده ۱(۳) ضمیمه شماره ۳ قواعد). در صورتی که در طول رسیدگی، مبلغ خواسته اصلی یا متقابل افزایش یابد، دیوان داورى متناسباً هزینه‌های آن مطابق جدول هزینه‌ها را تعدیل و تعیین می‌کند (ماده ۳۰(۲) قواعد).

تصمیم نهایی در مورد مسؤلیت هزینه‌های داورى اعم از آنچه دیوان تعیین کرده و به اتاق پرداخت شده یا سایر هزینه‌ها (مانند

حق‌الوکاله یا هزینه کارشناسی)، با مرجع داوری ذیربط است که هنگام صدور رأی مشخص نماید که هزینه‌های داوری برعهده کدامیک از طرفین است و یا هریک از خواهان و خوانده چه مقدار از آن را باید برعهده گیرند. بنابراین گرچه ممکن است خواهان مجبور شده باشد تمام هزینه‌ها را بپردازد تا دعوی او پیش رود و به رأی برسد، اما چه بسا دیوان داوری ضمن رأی خوانده را که از پرداخت سهم خود از هزینه‌ها استنکاف ورزیده به پرداخت هزینه‌ها یا قسمتی از آن نیز محکوم نماید که طبعاً قسمتی از محکوم به را تشکیل می‌دهد و قابل وصول است (ماده ۳۱(۳) قواعد). لازم به یادآوری است که هزینه دادرسی یا خسارات دادرسی که مرجع داوری در رأی خود اعلام می‌کند محدود به هزینه‌های داوری اتاق نیست بلکه شامل سایر هزینه‌های حقوقی از قبیل حق‌الوکاله، حق‌الزحمه کارشناس یا مخارج حقوقی و غیرحقوقی (مانند هزینه مسافرت و غیره) نیز می‌شود، که در ماده ۳۱(۱) قواعد داوری اتاق نیز به آن اشاره شده است.

تعیین میزان هزینه‌های داوری و وصول آن در دو مقطع صورت می‌گیرد: یکی در مرحله اول از رسیدگی که درخواست داوری تسلیم شده و مرجع داوری تشکیل می‌شود، تا زمان امضای «قرارنامه داوری». در این مقطع، دبیرخانه با توجه به محتوای درخواست اولیه و همان مقدار اطلاعاتی که در دست دارد، مبلغی را که عرفاً برای تأمین هزینه‌ها تا مقطع تنظیم و امضای قرارنامه داوری کافی باشد، به عنوان «پیش‌پرداخت موقتی هزینه‌ها» تعیین می‌کند و به خواهان ابلاغ می‌نماید که آن را پرداخت کند (ماده ۳۰(۱) قواعد) همچنین ماده ۱(۲) ضمیمه شماره ۳ در مورد هزینه‌ها). ماده ۴(۴) قواعد در این مورد می‌گوید خواهان مکلف است ضمن تسلیم نسخ کافی از درخواست خود، پیش‌پرداخت هزینه‌ها را نیز بپردازد. جدا کردن هزینه این مرحله از مراحل بعدی داوری و گذاشتن آن

برعهده خواهان از الحاقات به قواعد داوری جدید است و هدف از آن این است که اولاً خوانده که باید نصف هزینه‌ها را بپردازد، نتواند در همین ابتدای داوری با عدم پرداخت سهم خود انعقاد جریان داوری و تشکیل مرجع داوری و سایر کارها را با تأخیر و کندی مواجه سازد، و ثانیاً میزان هزینه آن محدود به همین مرحله مقدماتی باشد که تأمین و پرداخت آن از عهده خواهان برآید و رسیدگی قابل ادامه شود. به هر حال، مطابق ماده ۳۰(۴) قواعد اگر خواهان این هزینه موقتی را بپردازد، رسیدگی متوقف می‌شود ولی مانع از این نیست که مجدداً دعوای خود را مطرح کند.

مقطع دوم برای تعیین هزینه‌ها، هر زمانی پس از این مرحله است که دیوان عملاً بتواند هزینه‌های داوری را محاسبه و تعیین کند، یعنی زمانی که اطلاعات و اسناد و مدارک بیشتری در پرونده مبادله شده و طرفین اظهارات و مکاتباتی داشته‌اند و مبلغ خواسته یا خواسته متقابل مشخص‌تر شده و احیاناً قرارنامه داوری تنظیم و امضا شده و پرونده به مرجع داوری تحویل گردیده است. این است که ماده ۳۰(۲) قواعد می‌گوید همین که عملی و ممکن باشد، دیوان داوری مبلغ هزینه‌های داوری و رسیدگی به ادعای اصلی و ادعای متقابل را به میزانی که برای تأمین حق الزحمه داوران و هزینه‌های اداری اتاق کافی باشد محاسبه و تعیین می‌نماید، و اگر بعداً مبلغ ادعاها تغییر یافت، میزان هزینه‌های داوری هم تعدیل خواهد شد.

هزینه‌های داوری که برای رسیدگی به پرونده دیوان تعیین می‌کند در کلیه مراحل تا زمان صدور رأی است، اما ممکن است طرفین قبل از صدور رأی به مصالحه دست یابند و بخواهند دعوا را مختومه نمایند. در این صورت بسته به این که دعوا در چه مرحله‌ای مصالحه شود و داوران چه مقدار کار کرده باشند، مطابق ماده ۲(۶) ضمیمه شماره ۳ قواعد دیوان داوری، فقط هزینه‌های آن مقدار رسیدگی را که تا مرحله مصالحه انجام

شده است، به تشخیص خود تعیین و وصول می کند و باقیمانده هزینه های پرداخت شده را به پرداخت کننده مسترد می نماید - لکن ۲۵۰۰ دلار حق الثبت که هنگام ثبت پرونده در دبیرخانه پرداخته شده، قابل استرداد نیست.

گفتیم هزینه های داوری که اتاق وصول می کند، براساس جدولی محاسبه می شود که ضمیمه شماره ۳ قواعد داوری است. ضریب هزینه های اداری با مبلغ ادعا نسبت معکوس دارد، یعنی هرچه مبلغ ادعا بیشتر باشد ضریب آن کوچکتر می شود. اما تعیین حق الزحمه داوران تابع وضع پرونده و پیچیدگی های حقوقی آن، مدت زمانی که برای رسیدگی لازم است، و نیز مهارت داور یا داوران است. به همین لحاظ گرچه حق الزحمه داوران هم تابع مبلغ ادعا است که ضریب آن در جدول هزینه ها آمده است، اما این مبلغ با اعمال دو ضریب تعیین می شود که حداقل و حداکثر حق الزحمه داوران را بین حداقل و حداکثر مشخص می نماید.^{۵۰} (ماده ۳۱(۲) قواعد و نیز ماده ۲(۲) ضمیمه شماره ۳ قواعد).

سیستم تعیین هزینه های داوری در اتاق چند فایده مهم دارد. اولاً مانع از این می شود که طرفین - بویژه خواننده - به اقدامات تأخیری متوسل شوند یا ادعای گزاف و واهی مطرح نمایند، زیرا اگر یکی از طرفها دعاوی متورم مطرح نماید مجبور است هزینه آن را بپردازد تا قابل رسیدگی باشد والا مسترد شده محسوب می شود. دوم، وجود جدول هزینه ها با ضریب های مشخص و ثابت باعث می شود محاسبه و وصول هزینه های داوری تابع ضابطه شود و دلخواهی نباشد و نسبت به همه طرفها به صورت مساوی عمل شود. سوم، طرفین می توانند از قبل با مراجعه به جدول هزینه ها،

۵۰. نمونه هایی از محاسبه هزینه های داوری در دعاوی با خواسته های مختلف، در جدول نمونه ضمیمه شماره ۳ قواعد داوری اتاق در مورد جدول هزینه های داوری آمده است که در بخش اسناد بین المللی همین شماره مجله حقوقی چاپ شده است.

ارزیابی کنند که مراجعه به داوری چه مقدار هزینه و مخارج دربر خواهد داشت - امری که برای بازرگانان از اهمیت زیادی برخوردار است. چهارم، وجود جدول و ضریب‌های حداقل و حداکثر برای حق‌الزحمه داوران، طرفین دعوا و داوران را از این که برای تعیین حق‌الزحمه مذاکره نمایند یا احیاناً در موقعیت سخت چانه‌زنی یا محظورهای اخلاقی قرار گیرند، معاف می‌سازد. به علاوه، چون داوران حق‌الزحمه مربوط را مستقیماً از طریق اتاق دریافت می‌کنند و تماسی با طرفین ندارند شخصیت و حریم آنها بهتر حفظ می‌شود.

(۵) تعیین محل داوری

طرفین می‌توانند در موافقتنامه داوری توافق کنند که داوری در چه محلی و کدام کشور برگزار شود. اما در صورتی که محل داوری معلوم نباشد، از جمله مسائلی که باید در مرحله اول داوری یعنی هنگام تسلیم درخواست داوری و شروع دعوا تعیین تکلیف شود، همین محل داوری است که مرجع داوری باید در آنجا تشکیل شود و کار خود را انجام دهد. تعیین محل داوری از نظر حقوقی پیامدهای قابل توجهی دارد که تفصیل آن در اینجا ضرورتی ندارد. همین قدر اشاره می‌کنیم که گرچه داوری اتاق از نوع داوری بین‌المللی است و مرجع داوری مطابق قواعد داوری اتاق به دعوا رسیدگی می‌کند و به مقررات و قوانین داوری یا قوانین ماهوی کشور محل داوری مأخوذ نیست، اما به هر حال مکلف است قوانین آمره و نظم عمومی آن کشور را رعایت کند که همین امر ممکن است پاره‌ای محدودیتهای حقوقی برای او ایجاد کند. البته امروزه کشورها سعی می‌کنند با تصویب قوانین پیشرفته در زمینه داوری حداکثر تسهیلات را برای برگزاری داوری‌های بین‌المللی در خاک خود برقرار نمایند و مراجع قضایی

آنها در جریان داوریهایی که در سرزمین آنها برگزار می‌شود، کمتر دخالت نماید و این را از جمله امتیازات و جاذبه‌های بین‌المللی و اعتبار حقوقی نظام حقوقی خود می‌شمرند (مانند سوئیس و فرانسه) کما این که در کشور ما نیز، در سال ۱۳۷۶ قانون داوریه تجاری بین‌المللی به تصویب رسید که در داوریه‌های بین‌المللی که در ایران برگزار می‌شود قابل اجرا است و آزادی عمل فراوانی برای طرفین و داوران قائل شده و آن را قانونمند کرده و رویهم‌رفته تسهیلات حقوقی فراوانی نیز برای حسن برگزاری آنها فراهم نموده است.^{۵۱}

مطابق ماده ۱۴ قواعد داوریه اتاق، در صورتی که طرفین در این مورد توافقی نکرده باشند، دیوان اتاق با ملاحظه و دقت در موضوع دعوا، تابعیت طرفین و داورانی که تعیین شده‌اند یا می‌شوند، و نیز با توجه به قوانین کشور مورد نظر درباره داوریه تجاری بین‌المللی که تا چه اندازه حمایت‌کننده و تسهیل‌کننده باشد، و همچنین با توجه به ملاحظاتی از قبیل سهولت رفت و آمد به کشور مورد نظر، «محل داوریه» را تعیین می‌نماید که تصمیم او در این مورد قطعی می‌باشد. اثر مهم محل داوریه آن است که جلسات داوریه و استماع و نیز صدور رأی داوریه باید در آن محل انجام شود و حتی اگر با توافق طرفین جلسات در محل دیگری برگزار شود، مفروض است که در «محل داوریه» برگزار شده و مشمول مقررات احتمالی آن محل است. تا جایی که به صدور رأی مربوط می‌شود، رأی داوریه تابعیت کشور محل صدور را دارد (ماده ۲۵ (۳) قواعد).

۵۱. رک. دکتر سید جمال سیفی، «قانون داوریه تجاری بین‌المللی ایران همسو با قانون نمونه داوریه آنسترال» مجله حقوقی، شماره ۲۳ صفحات ۳۵ تا ۸۲؛ دکتر گودرز افتخارجهرمی، «تحولات نهاد داوریه در قوانین موضوعه ایران و دستاورد آن در حوزه داوریه بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، (ویژه اولین کنفرانس بین‌المللی داوریه) شماره ۲۸-۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۳.

(۶) تنظیم قرارنامه داوری

از جمله کارهای دیگری که باید در مرحله اول جریان داوری انجام شود، تنظیم قرارنامه داوری است. پس از انتخاب داور یا داوران و تشکیل مرجع داوری، دبیرخانه پرونده را به آن مرجع داوری تسلیم می‌کند. از این زمان به بعد، طرفین مستقیماً با مرجع داوری در تماس هستند و کلیه مکاتبات و لوابیح خود را به او می‌دهند و نسخه‌ای هم به دبیرخانه ارسال می‌کنند. داور یا داوران نیز باید نسخه‌ای از مکاتبات و تصمیمات و اقداماتی که انجام می‌دهند به دبیرخانه ارائه کنند و اگر احیاناً سؤال یا ابهامی درباره نحوه انجام کار داشته باشند می‌توانند از دبیرخانه راهنمایی بگیرند. طرف کلیه تماس و مکاتبات در دبیرخانه، مشاور حقوقی دبیرخانه است که در ابتدای تشکیل پرونده برای آن تعیین شده است.

در این مقطع، مرجع داوری تکلیف مهمی دارد که در واقع پیش شرط ورود آن به مرحله دوم از رسیدگی است و آن تهیه و تنظیم «قرارنامه داوری» است. به موجب ماده ۱۸(۱) از قواعد داوری اتاق، همین که مرجع داوری پرونده را از دبیرخانه تحویل گرفت باید ظرف دو ماه، براساس مدارک یا با حضور طرفین، و در پرتو آخرین لوابیحی که طرفین تا این مقطع ارائه کرده‌اند سندی را که شرح وظایف و مأموریت آن را مشخص می‌کند، تهیه و تنظیم کند» به این ترتیب قرارنامه داوری، سندی است که به موجب آن حدود اختیارات و شرح وظایف داوران تعیین می‌شود که به کدام دعوا و با چه مشخصاتی و با چه شرایطی باید رسیدگی نمایند. این سند، در واقع منشور داوری و دستورالعمل نحوه برگزاری داوری است و در حکم قراردادی است که بین طرفین و داوران منعقد می‌شود و حدود و ثغور

کار را مشخص می‌نماید.^{۵۲}

مطابق ماده ۱۸(۱) قواعد، قرارنامه داوری باید مشتمل بر امور زیر

باشد:

- اسم و مشخصات و آدرس اصحاب دعوا برای ابلاغها
- خلاصه‌ای از ادعاها و خواسته هریک از طرفین، با ذکر مبلغ
- تعیین موضوعات مورد اختلاف (تحریر محل نزاع)، مگر این که به نظر مرجع داوری لازم نباشد.
- اسم و مشخصات و آدرس داوران
- تعیین محل داوری
- تعیین آیین رسیدگی و این که آیا داوران حق دارند به صورت کدخدامنشی یا براساس عدل و انصاف تصمیم بگیرند یا نه؟

پس از این که سند مذکور تهیه شد، به امضای طرفین و داوران می‌رسد و یک نسخه آن به دیوان داوری تسلیم می‌شود و داوری در چارچوب آن ادامه می‌یابد. در صورتی که یکی از طرفین در جریان تهیه این سند مشارکت نکند یا آن را امضا نکند، مانع از ادامه کار نیست، بلکه مرجع داوری آن را به دیوان می‌دهد و در صورتی که دیوان آن را تصویب کند، جریان داوری ادامه می‌یابد (ماده ۱۸(۳) قواعد). مرجع داوری مکلف است ظرف ۲ ماه قرارنامه داوری را تهیه نماید و در صورتی که مهلت

۵۲. «قرارنامه داوری» ترجمه terms of reference انگلیسی یا act de mission فرانسه است که همان‌طور که اشاره شد، حاوی شرح وظایف و مأموریت داوران است این اصطلاح برای شرح وظایف کارشناس یا هر شخص دیگر که مأموریت مشخصی دارد نیز به کار می‌رود. این اصطلاح به «قرار داوری»، «داوری‌نامه»، «موافقتنامه داوری» و «سند داوری» نیز ترجمه شده است. اما به گمان ما «قرارنامه داوری» برای آن مناسب‌تر است زیرا هم از خلط آن با قرارداد یا موافقتنامه داوری که توافق اولیه طرفین در ارجاع به داوری است جلوگیری می‌کند و هم خصلت الزام‌آور آن را می‌رساند، و بهتر افاده مقصود می‌کند.

بیشتری لازم داشته باشد، می‌تواند با ذکر ادله از دیوان درخواست تمدید کند.

درباره ضرورت «قرارنامه داوری» گفتگوهای زیادی بین حقوقدانان و متخصصین داوری بین‌المللی صورت گرفته است و بویژه حقوقدانان متعلق به حقوق عرفی از آن انتقاد کرده‌اند و گفته‌اند با وجود موافقتنامه اولیه داوری، تهیه این سند لازم نیست و موجب اتلاف وقت می‌شود. با این همه، تنظیم این سند به طور سنتی یکی از ویژگی‌های نظام داوری اتاق بازرگانی است و سابقه آن به رویه سنتی حقوق فرانسه برمی‌گردد که برای شروع داوری، تأیید و تنفیذ موافقتنامه اولیه داوری را لازم می‌دانسته است.^{۵۳} صرف‌نظر از تاریخچه حقوقی «قرارنامه داوری»، تنظیم این سند هم فوائد عملی دارد و هم آثار حقوقی. در مورد فوائد عملی آن می‌توان نکات زیر را ذکر کرد. اولاً، تنظیم این سند که در آستانه داوری و تشکیل پرونده انجام می‌شود فرصتی ایجاد می‌کند که طرفین و وکلای آنها با یکدیگر آشنا شوند و به پاره‌ای نظرات و روحیات یکدیگر پی‌برند. ثانیاً، باعث می‌شود ابهامات مواضع طرفین روشن شود و اکنون که طرفین می‌خواهند وارد مرحله رسیدگی حقوقی شوند تصویر نسبتاً روشن‌تری نسبت به ادعاهای و مدافعات به دست آورند و گاه همین آشنایی با مواضع و استدلالات

۵۳. پدیده «قرارنامه داوری» خاص داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی است و ریشه در یکی از الزامات حقوق دادرسی فرانسه دارد و از معدود موارد انعکاس حقوق فرانسه در نظام داوری اتاق است. توضیح این که برخلاف سیستم حقوق عرفی، مطابق قوانین سابق فرانسه مادام که اختلاف عملاً بوجود نیامده ارجاع آن به داوری ممکن نبود، در نتیجه صرف موافقتنامه داوری یا درج شرط داوری در قرارداد در مورد اختلافات و دعاوی احتمالی که ممکن است در آینده حادث شود برای التزام به داوری کافی نبود بلکه پس از بروز اختلاف نیز باید طرفین موافقتنامه داوری پیشین را تنفیذ و تأیید یا در واقع مجدداً منعقد کنند. تنظیم قرارنامه داوری که ضمن آن طرفین ملزم می‌شوند مطابق قواعد داوری اتاق عمل کنند، به معنای همین تنفیذ یا انعقاد مجدد است و برای رفع همین اشکال تعبیه شده است. رک.

Gillis Wetter, "The Present Status of the International Court of Arbitration of ICC – An Appraisal", American Review of Int'l Arbt., vol. 1, No. 1, 1990.

موجب می‌شود که یا در همین مقطع مصالحه کنند و یا لاقبل ادعاهای بی‌مبنا و متورم را کنار گذارند و با دید واقع‌بینانه‌تری به قضیه بنگرند. ثالثاً، این فرصت برای رفع ابهامات احتمالی از موافقتنامه داوری یا توافقه‌های جدید در مورد مسائلی که مغفول مانده، بسیار مطلوب است. کما این که ضمن همین سند «قرارنامه داوری» است که می‌توان درباره مسائل مورد نزاع، و موضوعاتی مانند زبان داوری، مکان داوری، قانون ماهوی حاکم، نحوه ارائه ادله و مدارک، افشای مدارک، معرفی شهود و یا کارشناس و استماع ایشان، نحوه تبادل لوایح و جلسه استماع و نکات ریزتری که در جریان رسیدگی پیش می‌آید، توافق نمود و در نتیجه جریان داوری را بویژه در دعاوی پیچیده و سنگین روان‌تر و سریع‌تر نمود.

از نظر حقوقی نیز، تنظیم این سند سودمند است. اولاً از حیث ساماندهی و تنظیم نحوه رسیدگی ماهوی مفید است و مانع از آشفتگی و پراکندگی یا بلاتکلیفی در جریان داوری می‌شود. به عنوان مثال، در این سند باید ادعاها (اعم از اصلی یا تقابل) احصا و مشخص شود، و در نتیجه ادعای جدید در طول داوری مسموع نیست، کما این که ماده ۱۹ قواعد داوری نیز در این مورد می‌گوید پس از امضای قرارنامه داوری یا تصویب آن در دیوان، هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند ادعای جدیدی را مطرح نماید، مگر این که مرجع داوری اجازه دهد. ثانیاً با امضای این سند، هرگونه ابهام و تردید در مورد موافقتنامه اصلی داوری مرتفع می‌شود. ثالثاً، در مرحله اجرای رأی داوری یکی از موارد اعتراض به رأی و حتی ابطال آن نزد دادگاهی که به مسئله اجرای حکم رسیدگی می‌کند، این است که داوران از حدود اختیار و صلاحیت خود تجاوز کرده باشند، و مثلاً نسبت به موضوعی رسیدگی و رأی داده باشند که جزو موضوع داوری نبوده است. وجود قرارنامه داوری این فایده مهم را دارد که موضوع یا موضوعات تحت

داوری را مشخص می‌کند و ابزار مطمئن و خوبی برای کنترل صلاحیت داوران برای صدور رأی به دست می‌دهد. در داخل سیستم نظارت اتاق هم وجود این سند برای بررسی رأی توسط دیوان داورى مفید است زیرا دیوان می‌تواند با مراجعه به آن کنترل نماید که آیا همه موضوعاتی که به داورى ارجاع شده، صحیحاً رسیدگی و مورد حکم واقع شده یا نه، و آیا داوران از اختیارات خود تجاوز کرده‌اند یا نه. همین بررسی‌ها و کنترل‌ها است که ضریب اطمینان اجرای رأی را بالا می‌برد و نهایتاً داورى اتاق را به عنوان شیوه‌ای مؤثر و مطمئن برای حل و فصل اختلافات تجاری اعتبار و ارتقاء می‌بخشد.

به هر حال، چنانکه اشاره شد، تنظیم قرارنامه داورى از ویژگی‌های سنتی نظام داورى اتاق بازرگانی بین‌المللی است و علی‌رغم گفتگوها و تردیدهایی که در مورد حفظ یا حذف آن از قواعد وجود داشت، در ماده ۱۸ قواعد جدید داورى اتاق ابقاء شده و ابهامات آن مرتفع شده است.

(۷) تهیه برنامه زمانی رسیدگی

مطلب دیگری که در مرحله اول جریان داورى باید تعیین تکلیف شود برنامه رسیدگی است. در قواعد جدید داورى اتاق که از سال ۱۹۹۸ لازم‌الاجرا شده، نهایت تلاش به عمل آمده که موجبات سرعت رسیدگی فراهم شود. از جمله تدبیرهایی که برای این منظور در قواعد آمده تکلیف مرجع داورى است که همزمان با تهیه قرارنامه داورى یا کوتاه زمانی پس از آن، باید برنامه زمانی خود را برای رسیدگی‌های بعدی تهیه و به طرفین و دیوان داورى تسلیم نماید (ماده ۱۸(۴) قواعد). از طرفی مطابق ماده ۲۴(۱) قواعد، مرجع داورى باید ظرف شش ماه از تاریخ امضای قرارنامه داورى رسیدگی را به پایان برد و رأی بدهد. بنابراین فایده مهم تنظیم برنامه زمانی

آن است که اولاً مرجع داوری را مأخوذ می‌کند که هنگام برنامه‌ریزی برای رسیدگی‌های آتی، توجه کافی مبذول دارد که واقع‌بینانه عمل کند و ظرف شش ماه داوری را به انجام رساند. ثانیاً او را ملزم می‌کند که در طول رسیدگی برنامه را رعایت کند زیرا هرگونه تغییر در برنامه زمانی رسیدگی موکول به اطلاع طرفین و تصویب دیوان است. بدین‌سان دیوان وسیله مطمئنی برای کنترل عملکرد داوران در دست خواهد داشت و اگر به این نتیجه برسد که از انجام کار ناتوان هستند، چه بسا طبق ماده ۱۲(۳) قواعد تصمیم به تعویض ایشان بگیرد.

ب- مرحله دوم: رسیدگی به ادعاها

(۱) شیوه‌های رسیدگی به ادعا

به طور کلی، دو شیوه رسیدگی و دادرسی وجود دارد: یکی حول هدایت و مدیریت دادرسی توسط دادگاه متمرکز است که در نظام حقوق نوشته متداول است، و دیگری حول مرافعه اصحاب دعوا متمرکز است و خاص نظام حقوق عرفی است که خود اصحاب دعوا جریان دادرسی را زیر نظر قاضی هدایت و اداره می‌کنند و قاضی سرانجام رأی می‌دهد. شیوه دادرسی در داوری‌ها منجمله داوری اتاق بازرگانی علی‌الاصول بیشتر مقتبس از همین شیوه دوم است خصوصاً که در داوری‌ها اصحاب دعوا آزادی عمل زیادی دارند. مثلاً در شیوه دوم استماع شهود توسط وکلای طرفین صورت می‌گیرد که از شاهد خود یا شاهد طرف مقابل سؤالاتی را مطرح می‌کنند و قاضی فقط در «مرتبط یا لازم بودن یا نبودن سؤالات» نظر می‌دهد درحالی که در شیوه اول حق سؤال از شهود باید با اجازه قاضی و از طریق دادگاه صورت گیرد.

شروع مرحله دوم از روند رسیدگی داوری، پس از تشکیل مرجع

داوری و آماده شدن «قرارنامه داوری» ممکن می‌شود و تمام اقدامات و کارهایی که طی مرحله اول انجام شده مقدمات و ضرورت‌های ورود به مرحله «رسیدگی به ادعاها» محسوب می‌شوند. در واقع، هسته مرکزی و حاق هر داوری‌یی، همین مرحله است که به ایرادات و ادعاها و خواسته‌هایی که خواهان و خوانده مطرح نموده‌اند رسیدگی و درباره اختلافات فی‌مابین تصمیم‌گیری شود و فصل خصومت گردد. مسائل و موضوعاتی که حین رسیدگی در هر داوری مطرح می‌شود، خاص همان مورد است و تابع موضوع دعوا و خواسته مطروحه است و از این رو قابل نمونه‌سازی نیست. تشخیص قضایی و حقوقی داور یا داوران نیز برحسب نوع و موضوع دعوا، استدلال‌ات حقوقی ارائه شده، اسناد و مدارک و ادله‌ای که اقامه شده و بالاخره قانون ماهوی حاکم بر دعوا، متفاوت است و قابل تعمیم و مدل‌سازی نمی‌باشد. حتی «رویه داوری» که به علت تکرار در دعاوی مشابه تولید می‌شود، هرچند در داوری‌های بین‌المللی بسیار مورد توجه است، اما اعتبار موضوعی دارد و فقط در موضوع همان دعاوی که صادر شده الزام‌آور است، و به همین لحاظ هیچ مرجع داوری مأخوذ و ملزم به رعایت مفاد رأی مراجع دیگری داوری، نیست.

با این‌که مسائل و موضوعات مورد رسیدگی در هر داوری و به تبع، تشخیص قضایی (رأی داوران) متفاوت است، اما ابزارها و روش‌های رسیدگی و سنجش دعوا و تصمیم‌گیری قابل دسته‌بندی و مدل‌بندی است. مثلاً رسیدگی به ایرادات قبل از ورود به ماهیت، تبادل لوایح، استماع شهود، ارجاع به کارشناس، درخواست ادله و مدارک، تشکیل جلسه استماع شفاهی، و سایر روش‌های دادرسی، از جمله ابزارهایی هستند که هم در دادگاهها و هم داوری‌ها متداول است و برای ارزیابی و سنجش قضایی ادعاها به کار می‌رود. در قواعد داوری اتاق هم «رسیدگی» به ادعاها به

کمک همین ابزارها و قالب‌ها انجام می‌شود، که در ماده ۲۰ قواعد داوری اتاق به آنها اشاره شده است.

(۲) رسیدگی به موضوعات مقدماتی

قبل از هر چیز در صورتی که ایرادات صلاحیتی مطرح شده باشد، مرجع داوری باید علی‌القاعده ابتدا به آنها رسیدگی کند. چنان‌که قبلاً اشاره شد مطابق ماده ۶(۲) و ۴(۴) قواعد داوری اتاق، مرجع داوری صلاحیت دارد که به صلاحیت خود و قلمرو آن رسیدگی نماید. علاوه بر این، ممکن است به عنوان یک امر مقدماتی، درخواست اقدامات تأمینی (دستور موقت) شده باشد که در این صورت مرجع داوری مکلف است به عنوان یک امر فوری و مقدماتی به آن رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند و به صورت «دستور» یا «رأی جزئی» تصمیم بگیرد (ماده ۲۳ قواعد). اختیار مرجع داوری برای صدور دستور موقت و اقدامات تأمینی مدت‌ها بین نویسندگان مورد بحث بود و بعضی عقیده داشتند که دستور موقت مستلزم اختیارات خاص دادگاهها است که از ضمانت اجرای قدرت عمومی دولتی برخوردارند. اما امروزه رویه داوری بین‌المللی این واقعیت را پذیرفته که در صورت توافق طرفین مسلماً مرجع داوری مربوط حق رسیدگی به درخواست دستور موقت و صدور آن را دارد. معذک برای اجرای چنین دستوری در مواردی که مخاطب آن را طوعاً اجرا نکند، ناگزیر باید به محاکم دادگستری مراجعه شود.

(۳) شروع رسیدگی ماهوی و تبادل لوایح

مطابق ماده ۲۰ قواعد، مرجع داوری مکلف است در اسرع وقت، ابتدا واقعیات مربوط به دعوا و اوضاع و احوالی را که منتهی به بروز ادعا شده

است، به روش مناسب بررسی و احراز نماید. علاوه بر این، باید ترتیب تبادل لوایح کتبی بین طرفین را بدهد و در چارچوب زمان‌بندی رسیدگی که قبلاً تدوین کرده برای آن تعیین وقت کند، و بالاخره باید ترتیب لازم برای استماع نظرات ایشان را بدهد (ماده ۲۰(۳) و (۴) قواعد). مرجع داوری ممکن است پس از دریافت لوایح طرفین، لازم بداند مستندات و ادله اضافی در یک موضوع خاص ارائه شود یا احیاناً یکی از طرفین درخواست «افشای مدارک» از طرف مقابل نماید (discovery) و دیوان هم آن را مناسب و مرتبط تشخیص دهد و بپذیرد، که در این صورت می‌تواند دستور دهد این قبیل مستندات و ادله اضافی یا مدارک تسلیم گردد (ماده ۲۰(۵) قواعد). درباره اختیارات مراجع داوری برای دستور «افشای مدارک» گفتگوهای زیادی بین صاحب‌نظران وجود دارد. حقوقدانان متعلق به نظام حقوق نوشته کمتر با آن موافقند ولی اصحاب حقوق عرفی آن را مجاز و ممکن می‌دانند خصوصاً که تدبیر «افشای مدارک» اساساً ریشه در سیستم دادرسی حقوق عرفی دارد که امر دادرسی عملاً و عمدتاً توسط خود اصحاب دعوا هدایت و انجام می‌شود و قاضی در واقع ناظر است و سرانجام رأی می‌دهد. اما امروزه در رویه داوری بین‌المللی به طور کلی پذیرفته شده که مراجع داوری علی‌الاصول چنین اجازه‌ای دارند، خصوصاً اگر در قواعد داوری که طرفین آن را پذیرفته‌اند، به آن تصریح شده باشد (مانند ماده ۲۰(۵) قواعد داوری اتاق).

(۴) جلسه استماع

معمولاً آخرین اقدام مرجع داوری پس از تبادل لوایح عبارت است از برگزاری جلسه استماع شفاهی که بعد از آن ختم رسیدگی اعلام می‌شود. جلسه استماع معمولاً در محل داوری برگزار می‌شود و اگر برای سهولت،

محل دیگری برای آن در نظر گرفته شود، باز هم مفروض است که در آنجا برگزار شده است (ماده ۲۵ (۳) قواعد). جلسه استماع ممکن است به درخواست یکی از طرفین یا به تشخیص خود مرجع داوری برگزار شود (ماده ۲۰ (۲) قواعد). معذک، در صورتی که مرجع داوری مناسب بداند، می‌تواند تصمیم بگیرد بدون جلسه شفاهی و صرفاً براساس لوایح و اسناد و مدارک و ادله کتبی رسیدگی نماید، اما اگر یکی از طرفین تقاضای تشکیل جلسه نماید، مکلف است جلسه را تشکیل دهد (ماده ۲۰ (۶) قواعد). در مواردی که قرار است جلسه استماع برگزار شود، مرجع داوری تاریخ و محل آن را به طرفین ابلاغ می‌کند که در آن حضور یابند. لکن در صورتی که یکی از طرفین علی‌رغم اطلاع و ابلاغ، بدون عذر موجه در جلسه حاضر نشود مانع از ادامه رسیدگی و برگزاری جلسه نیست (ماده ۲۱ (۱) و (۲) قواعد). جلسه استماع داوری، غیرعلنی است و فقط اصحاب دعوا و نمایندگان و وکلای ایشان حق شرکت دارند و حضور افراد غیر ذی‌مدخل در جلسه در صورتی مجاز است که هم طرفین و هم داوران اجازه دهند (ماده ۲۱ (۳) قواعد). در جلسه استماع، معمولاً خواهان و خوانده مطالب و نظرات خود را بیان می‌کنند، شهود استماع می‌شوند و در صورتی که پرونده به کارشناس ارجاع شده باشد، کارشناس نیز احضار و نظرات او شنیده می‌شود (ماده ۲۰ (۲) قواعد).

با این که ماده ۲۰ قواعد داوری اتاق و سایر مواد آن، ابزارها و قالبهای رسیدگی را مشخص کرده، اما همچنان این سؤال باقی می‌ماند که رسیدگی چه موقع پایان می‌پذیرد و کی می‌توان گفت موازین لازم رعایت شده و همه ابزارهای لازم برای یک داوری منصفانه و بیطرفانه به کار گرفته شده است. پاسخ این سؤال مسلماً بسته به موضوع دعوا منصفانه و بیطرفانه به کار گرفته شده است. پاسخ این سؤال مسلماً بسته به موضوع دعوا و

مسائلی که در هر پرونده مطرح است فرق می‌کند و نمی‌توان ملاک ثابتی برای آن تعیین کرد. آنچه مهم است این است که رسیدگی به صورت صحیح و با رعایت قواعد داوری و موازین حقوقی انجام شود و با طرفین به شیوه‌ای مساوی و بی‌طرفانه رفتار شده باشد، و مهم‌تر از همه این که فرصت کافی و معقولی برای ارائه مطالب و دفاعیات به ایشان داده شود ماده ۱۵(۲) قواعد همین ملاک (ابژکتیو) را برگزیده است و در ماده ۲۲(۱) قواعد نیز گفته شده مرجع داوری باید قانع شود که طرفین فرصت دفاع داشته‌اند.

(۵) قانون شکلی و ماهوی حاکم

آیین دادرسی و داوری تابع قواعد داوری اتاق است (ماده ۱۵ قواعد) و داوران مکلف نیستند قانون آیین دادرسی کشوری را رعایت نمایند، اما به هر حال باید هنگام رسیدگی قوانین آمره کشور محل رسیدگی را رعایت کند و آلا چه بسا رأی صادره در مرحله اجرا دچار مشکل شود. اما در صورتی که طرفین مقررات دادرسی خاصی را انتخاب کرده باشند که در داوری‌شان اعمال شود، مرجع داوری باید آن را محترم شمرد و چنانچه در این مقررات به قانون داخلی نیز اشاره شده باشد که باید در داوری اعمال شود، باید آن را رعایت نمایند (ماده ۱۵(۱) و (۲) قواعد). مثلاً در قوانین بعضی کشورها مقرر شده که نصب داور باید به تأیید دادگاه محل نیز برسد یا گاه در قوانین داخلی پیش‌بینی شده که اگر خواهان تبعه خارجی باشد باید برای هزینه دادرسی تضمین بدهد، یا گاه مقرر شده که رأی داوری باید مستدل باشد.

در مورد قانون ماهوی حاکم بر دعوا، مطابق اصل آزادی اراده (اتونومی) اولویت با انتخاب و توافق خود طرفین است که می‌توانند قانون داخلی هر کشور را که مناسب بدانند به عنوان قانون ماهوی حاکم

برگزینند، یا به جای انتخاب قانون کشور خاصی احياناً توافق کنند که دعوا مطابق اصول کلی حقوقی حل و فصل خواهد شد، و یا مقرر نمایند ترکیبی از این دو منبع حقوقی در ماهیت دعوا اعمال و اجرا شود. در صورتی که طرفین قانون ماهوی را انتخاب نکرده باشند، طبق ماده ۱۷(۱) قواعد داوری اتاق، مرجع داوری قواعد حقوقی که خود مناسب دعوا تشخیص دهد انتخاب و اعمال می‌کند. اما در هر حال مرجع داوری مکلف است مفاد قرارداد و نیز عرف تجاری مرتبط با موضوع دعوا را اعمال نماید. در این ماده ۱۷(۱) قواعد، دو نکته ظریف وجود دارد. اولاً صحبت از «قواعد حقوقی» است و نه «قانون حاکم». این ظرافت در تعبیر، ناظر به این نکته است که لازم نیست مرجع داوری در جستجوی قانون مناسب، حتماً قانون موضوعه یک کشور خاص را به عنوان قانون حاکم بر ماهیت برگزیند، بلکه می‌تواند هرگونه قواعد حقوقی را که مناسب بداند اعمال کند، اعم از این که قانون داخلی یک کشور باشد یا اصول کلی حقوقی یا ترکیبی از آن دو. به عبارت دیگر مفهوم قواعد حقوقی اعم از قانون داخلی است. ثانیاً مرجع داوری می‌تواند در مقام تعیین قانون ماهوی حاکم بر دعوا، هرگونه قواعد حقوقی را که با توجه به موضوع دعوا مناسب و مرتبط بداند، مستقیماً برگزیند و نیازی ندارد که به قواعد سنتی حل تعارض قوانین یا انتخاب قانون مناسب توسل جوید. این حکم ماده ۱۷(۱) قواعد هماهنگ با رویه معاصر در داوری بین‌المللی است. مطابق ماده ۳۵ قواعد، در کلیه اموری که قواعد داوری ساکت باشد مرجع داوری باید مطابق روح قواعد رسیدگی نماید و نمی‌تواند به علت سکوت قواعد از رسیدگی امتناع ورزد.

(۶) ختم رسیدگی

قاعده کلی برای ختم رسیدگی آن است که در هر پرونده باید به هر

دو طرف فرصت کافی و معقول برای اظهار مطالب و دفاعیات آنها داده شود و مرجع داوری باید قانع شود که با توجه به وضعیت دعوا و مسائل مطروحه در آنها، طرفین از چنین فرصتی برخوردار شده‌اند (ماده ۲۲(۱) قواعد). پس از این اقناع است که مرجع داوری می‌تواند ختم رسیدگی را اعلام کند و وارد مرحله صدور رأی شود.

پس از ختم رسیدگی، هیچ‌گونه مطلب یا استدلال یا مدرک جدیدی از هیچ‌یک از طرفین مقبول و مسموع نیست. معمولاً ختم رسیدگی پس از جلسه استماع شفاهی اعلام می‌شود، اما گاه پیش می‌آید که مرجع داوری به طرفین اجازه می‌دهد که پس از استماع هم یک لایحه بدهند و سپس ختم رسیدگی را اعلام می‌نمایند.

رسیدگی باید در محدوده زمانی خاص و مطابق برنامه زمانی انجام شود که مرجع رسیدگی هنگام تنظیم قرارنامه داوری تدوین و به دیوان ارائه کرده است (ماده ۱۸(۴) قواعد). طبق ماده ۲۴(۲) قواعد مرجع داوری مکلف است ظرف شش ماه از تاریخ قرارنامه داوری، کار رسیدگی را تمام کند و رأی بدهد، و اگر این مهلت کافی نباشد، می‌تواند با ذکر ادله موجه از دیوان داوری اتاق درخواست تمدید نماید. علاوه بر این، هنگام اعلام ختم رسیدگی نیز مرجع داوری باید مدت زمان تقریبی را که فکر می‌کند رأی را صادر خواهد کرد به دبیرخانه اعلام نماید (ماده ۲۲(۲) قواعد). قید این مواعد برای این است که دیوان داوری بتواند عملکرد مرجع داوری را کنترل کند و مرجع داوری هم مکلف باشد سریع‌تر رسیدگی را انجام دهد.

ج- مرحله سوم: صدور رأی

(۱) بررسی پیش‌نویس رأی توسط دیوان

مرجع داوری باید پیش‌نویس رأی خود را قبل از امضا و صدور برای

دیوان داوری ارسال نماید. دیوان هم رأی را بررسی و اگر ایرادات شکلی نداشته باشد، تأیید می‌کند و به داوران مرجوع می‌نماید و مرجع داوری رأی را امضا و صادر می‌کند. قبلاً درباره نحوه اعمال نظارت دیوان در مرحله صدور رأی داوری توضیح داده‌ایم و نیازی به تکرار نیست.^{۵۴}

(۲) صدور رأی

صدور رأی داوری، پایان رسیدگی است. مرجع داوری باید با توجه به مجموع لوایح و اظهارات طرفین و اسناد و مدارکی که ارائه کرده‌اند، و با رعایت قواعد حقوقی حاکم بر دعوا، تصمیم‌گیری نماید و طبق ماده ۲۵(۲) قواعد باید با ذکر ادله و استدلال رأی بدهد.^{۵۵} در داوری‌های یک نفره، صدور رأی آسان‌تر است، اما در داوری‌های سه نفره ممکن است بین اعضای هیأت داوری اختلاف نظر به وجود آید که در این صورت مطابق ماده ۲۵(۱) قواعد رأی اکثریت ملاک است، و اگر اکثریت هم تشکیل نشود، رأی رئیس هیأت کافی است. داور اقلیت می‌تواند نظر مخالف یا جداگانه خود را بدهد و ضمیمه رأی شود، اما جزو رأی داوری نیست. رأی ممکن است به صورت تراضی باشد یا به صورت مرضی‌الطرفین و مبتنی بر مصالحه و سازش بین طرفین. در صورتی که طرفین حین رسیدگی به مصالحه دست یابند می‌توانند توافقی‌های حاصله را به مرجع داوری اعلام و درخواست کنند به صورت رأی صادر شود تا آثار حقوقی رأی را داشته باشد (لازم‌الاجرا بودن - اثر امر مختومه) که در این صورت طبق ماده ۲۶ قواعد «رأی مبتنی بر تراضی» صادر می‌شود.

رأی ممکن است به صورت «جزئی» باشد یعنی قسمتی از دعوا را

۵۴. رک. مباحث بند ۲-۲-ب از قسمت ۲ این مقاله (ص ۵۸ به بعد)

۵۵. مرجع داوری در صورتی می‌تواند بدون ذکر دلایل رأی دهد که طرفین به او اجازه داده باشند به صورت داوری کدخدامنشی یا براساس عدالت و انصاف رسیدگی نمایند (ماده ۱۷(۳) قواعد).

مورد تصمیم‌گیری قرار داده باشد، و بقیه موضوعات را به رسیدگی‌های بعدی موکول کند؛ یا ممکن است «نهایی» که شامل کل دعوا می‌شود.

(۳) ابلاغ رأی

دبیرخانه مسؤول ابلاغ رأی داوری است طبق ماده ۲۵(۳) قواعد طرفین می‌پذیرند که شیوه دیگری برای ابلاغ رأی لازم نیست. مطابق ماده ۲۸(۱) قواعد پس از این که دبیرخانه اطمینان حاصل نمود که هزینه‌های داوری اتاق به صورت کامل پرداخت شده، رأی را ابلاغ می‌کند. یک نسخه رأی در دبیرخانه دیوان داوری اتاق تودیع می‌شود و اگر طرفین نسخ اضافی بخواهند، آن را تصدیق و به ایشان تسلیم می‌نماید.

مطابق ماده ۲۸(۶) قواعد، رأی داوری قطعی و لازم‌الاجرا است و طرفین با مراجعه و قبول قواعد داوری اتاق حق خود را برای اعتراض و استیناف‌خواهی نسبت به رأی صادره ساقط می‌کنند - البته تا جایی که این اسقاط حق قانوناً ممکن باشد که در این مورد قبلاً توضیح کافی داده‌ایم.

(۴) اصلاح و تفسیر رأی

یکی از نوآوری‌هایی که هنگام تجدیدنظر در قواعد داوری اتاق در سال ۱۹۹۸ انجام شده، این است که رأی داوری قابل اصلاح و تفسیر است و هم مرجع داوری و هم هریک از طرفین می‌توانند ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی تقاضا کنند که اشتباهات نگارشی یا محاسباتی که احیاناً در رأی وجود دارد اصلاح شود یا اگر قسمت‌هایی از آن مبهم است، تقاضای تفسیر رأی را بکنند (ماده ۲۹ قواعد). درخواست اصلاح یا تفسیر رأی باید به طرف مقابل ابلاغ و فرصتی - که به هر حال بیش از ۳۰ روز نخواهد بود - به او داده شود که اظهارنظر نماید و سپس مرجع داوری به تقاضای مذکور

رسیدگی می‌نماید. رأی اصلاحی یا تفسیری مرجع داوری باید ظرف ۳۰ روز صادر شود و جزء رأی اصلی محسوب می‌شود و همان تشریفات مربوط به صدور رأی اصلی - مانند بررسی توسط دیوان و ابلاغ از طریق دبیرخانه - در مورد رأی اصلاحی و تفسیری نیز اجرا می‌شود (ماده ۲۹ (۳) قواعد).

(۵) اجرای رأی داوری

گفتیم آراء داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی قطعی و لازم‌الاجرا است (ماده ۲۸ (۶) قواعد). اما لازم‌الاجرا بودن رأی غیر از اجرای آن است و در صورتی که محکوم‌علیه حاضر نشود طوعاً مفاد رأی را اجرا نماید، ناچار باید به محاکم داخلی کشور محل اقامت یا محل وقوع اموال او مراجعه و درخواست شناسایی و اجرای رأی را به عمل آورد. اجرای رأی داوری در این مرحله موکول و محول به قوانین داخلی کشور محل اجرا است که تا چه حد آن را معتبر بشناسد و شناسایی نماید و سپس دستور اجرا (اجراییه) صادر نماید.

سازمان داوری اتاق بازرگانی ابزار اجرایی برای این که رأی داوری را به اجرا درآورد، ندارد. معذک مطابقت ماده ۳۵ قواعد داوری، مرجع داوری و دیوان داوری اتاق مساعی لازم را برای این که رأی اجرا شود به عمل می‌آورد که منظور بیشتر اقدامات اداری است تا قضایی و اجرایی. اصولاً مسئله اجرای آراء داوری موکول به قوانین و مقررات کشوری است که از محاکم آن درخواست شناسایی و اجرای رأی می‌شود. در حال حاضر مهم‌ترین سند بین‌المللی که در مورد اجرای آراء داوری خارجی وجود دارد، «کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در مورد شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی» است که بسیاری از کشورها به آن ملحق شده‌اند و جزو

قوانین داخلی آنها محسوب می‌شود. در این کنوانسیون نحوه اجرای آراء داوری خارجی و شرایط آن، و نیز موارد عدم شناسایی و عدم اجرای رأی مشخص شده است. در صورتی که رأی با ایرادات اساسی مواجه باشد (مانند تجاوز داور از حدود اختیارات - یا نقض نظم عمومی و ...) قابل شناسایی و اجرا نیست. این کنوانسیون رویهم‌رفته تسهیلات و امکانات فراوانی برای اجرای آراء داوری قائل شده است.^{۵۶}

علی‌رغم ضرورت آن، متأسفانه ایران هنوز عضو این کنوانسیون نشده ولی بررسی‌هایی برای عضویت و قبول آن در دست انجام است. در حال حاضر اگر یک رأی داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی برای اجرا به محاکم ایران تسلیم شود، مشمول قوانین و مقررات عمومی مربوط به اجرای احکام خارجی است (مانند ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب سال ۱۳۵۶ و نیز مواد ۹۷۲ به بعد قانون مدنی). البته مواد ۳۳ و ۳۴ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران (مصوب آذر ۱۳۷۶) مقرراتی برای اجرای احکام داوری پیش‌بینی نموده که خاص داوری‌های بین‌المللی است که در ایران برگزار می‌شود. معذک می‌تواند به عنوان موازین و اصول حقوق ایران در مورد اجرای احکام داوری بین‌المللی مورد عمل قرار گیرد و بر رویه قضایی است که مادام که ایران به کنوانسیون مذکور ملحق نشده، ابهامات موجود در این زمینه را مرتفع سازد.

۵۶. برای ملاحظه متن کنوانسیون مذکور، رک. مجله حقوقی، شماره ۱۵-۱۴، بهار و زمستان ۱۳۷۰، اسناد بین‌المللی.